

به نام خدا

تهیه و تنظیم:

وب سایت چرب زبان

www.charbzaban.com

آموزش زبان آلمانی

Charbzaban.com

1 [یک]

اشخاص



آلمانی - Wikipedia

1 [eins] ▶

Personen ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

من ich ▶

ich und du من و تو ▶

wir beide هر دوی ما ▶

er او (مرد) ▶

er und sie آن مرد و آن زن ▶

sie beide هر دوی آنها ▶

der Mann آن مرد ▶

die Frau آن زن ▶

das Kind آن بچه ▶

eine Familie یک خانواده ▶

meine Familie خانواده من ▶

Meine Familie ist hier. خانواده من اینجاست. ▶

Ich bin hier. من اینجا هستم. ▶

Du bist hier. تو اینجا هستی. ▶

Er ist hier und sie ist hier. آن مرد اینجاست و آن زن اینجاست. ▶

Wir sind hier. ما اینجا هستیم. ▶

Ihr seid hier. شما اینجا هستید. ▶

Sie sind alle hier. همه آنها اینجا هستند. ▶



دویچه وله: از قلب اروپا Deutsche Welle

نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

پدربزرگ der Großvater

مادربزرگ die Großmutter

er und sie (پدربزرگ) و او (مادربزرگ)

پدر der Vater

مادر die Mutter

er und sie (پدر) و او (مادر)

پسر der Sohn

دختر die Tochter

er und sie (پسر) و او (دختر)

برادر der Bruder

خواهر die Schwester

er und sie (برادر) و او (خواهر)

عمو، دایی der Onkel

عمه، خاله die Tante

er und sie (عمو، دایی) و او (خاله، عمه)

Wir sind eine Familie. ما یک خانواده هستیم.

Die Familie ist nicht klein. خانواده کوچک نیست.

Die Familie ist groß. خانواده بزرگ است.



Poster series LEARN ENGLISH - LERN DEUTSCH

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Hallo! سلام

Guten Tag! روز بخیر!

Wie geht's? حالت چگونه؟

Kommen Sie aus Europa? شما از اروپا می آید؟

Kommen Sie aus Amerika? شما از آمریکا می آید؟

Kommen Sie aus Asien? شما از آسیا می آید؟

In welchem Hotel wohnen Sie? در کدام هتل اقامت دارید؟

Wie lange sind Sie schon hier? چه مدت از اقامتتان در اینجا میگذرد؟

Wie lange bleiben Sie? چه مدت اینجا میمانید؟

Gefällt es Ihnen hier? از اینجاخوشتان می آید؟

Machen Sie hier Urlaub? برای مسافرت اینجا هستید؟

Besuchen Sie mich mal! سری به من بزنید

Hier ist meine Adresse. این آدرس من است.

Sehen wir uns morgen? فردا همدیگر را می بینیم؟

Tut mir Leid, ich habe schon etwas vor. متأسفم، من کار دارم.

Tschüs! خداحافظ!

Auf Wiedersehen! خدا نگهدار!

Bis bald! تا بعد!



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

ما کجا هستیم؟ **Wo sind wir?**

Wir sind in der Schule. ما در مدرسه هستیم.

Wir haben Unterricht. ما کلاس درس داریم.

Das sind die Schüler. آنها دانش آموزان هستند.

Das ist die Lehrerin. این خانم معلم است.

Das ist die Klasse. این کلاس درس است.

ما چکار می کنیم؟ **Was machen wir?**

Wir lernen. ما درس میخوانیم.

Wir lernen eine Sprache. ما یک زبان یاد میگیریم.

Ich lerne Englisch. من انگلیسی یاد میگیرم.

Du lernst Spanisch. تو اسپانیایی یاد میگیری.

Er lernt Deutsch. او (مرد) آلمانی یاد میگیرد.

Wir lernen Französisch. ما فرانسوی یاد میگیریم.

Ihr lernt Italienisch. شما ایتالیایی یاد میگیرید.

Sie lernen Russisch. آنها روسی یاد میگیرند.

Sprachen lernen ist interessant. یادگیری زبان جالب است.

Wir wollen Menschen verstehen. ما میخواهیم انسانها را بفهمیم.

Wir wollen mit Menschen sprechen. ما میخواهیم با انسانها صحبت کنیم.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

John ist aus London. جان اهل لندن است.

London liegt in Großbritannien. لندن در انگلستان قرار دارد.

Er spricht Englisch. او (مرد) انگلیسی صحبت میکند.

Maria ist aus Madrid. ماریا اهل مادرید است.

Madrid liegt in Spanien. مادرید در اسپانیا قرار دارد.

Sie spricht Spanisch. او اسپانیایی صحبت میکند.

Peter und Martha sind aus Berlin. پیتر و مارتا اهل برلین هستند.

Berlin liegt in Deutschland. برلین در آلمان قرار دارد.

Sprecht ihr beide Deutsch? هر دوی شما آلمانی صحبت میکنید؟

London ist eine Hauptstadt. لندن یک پایتخت است.

Madrid und Berlin sind auch Hauptstädte. مادرید و برلین هم پایتخت هستند.

Die Hauptstädte sind groß und laut. پایتخت ها بزرگ و پر سروصدا هستند.

Frankreich liegt in Europa. فرانسه در اروپا قرار دارد.

Ägypten liegt in Afrika. مصر در آفریقا قرار دارد.

Japan liegt in Asien. ژاپن در آسیا قرار دارد.

Kanada liegt in Nordamerika. کانادا در آمریکای شمالی قرار دارد.

Panama liegt in Mittelamerika. پاناما در آمریکای مرکزی قرار دارد.

Brasilien liegt in Südamerika. برزیل در آمریکای جنوبی قرار دارد.



تشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

Ich lese. من میخوانم.

Ich lese einen Buchstaben. من یک حرف الفبا را میخوانم.

Ich lese ein Wort. من یک کلمه را میخوانم.

Ich lese einen Satz. من یک جمله را میخوانم.

Ich lese einen Brief. من یک نامه را میخوانم.

Ich lese ein Buch. من یک کتاب میخوانم.

Ich lese. من میخوانم.

Du liest. تو میخوانی.

Er liest. او (مرد) میخواند.

Ich schreibe. من می نویسم.

Ich schreibe einen Buchstaben. من یک حرف الفبا را مینویسم.

Ich schreibe ein Wort. من یک کلمه را مینویسم.

Ich schreibe einen Satz. من یک جمله را مینویسم.

Ich schreibe einen Brief. من یک نامه مینویسم.

Ich schreibe ein Buch. من یک کتاب می نویسم.

Ich schreibe. من می نویسم.

Du schreibst. تو می نویسی.

Er schreibt. او (مرد) می نویسد.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Ich zähle: من می شمارم:

eins, zwei, drei یک، دو، سه

Ich zähle bis drei. من تا سه می شمارم.

Ich zähle weiter: من به شمارش ادامه می دهم:

vier, fünf, sechs چهار، پنج، شش،

sieben, acht, neun هفت، هشت، نه،

Ich zähle. من می شمارم.

Du zählst. تو می شماری.

Er zählt. او (مرد) می شمارد.

Eins. Der Erste. یک، اول.

Zwei. Der Zweite. دو، دوم.

Drei. Der Dritte. سه، سوم.

Vier. Der Vierte. چهار، چهارم.

Fünf. Der Fünfte. پنج، پنجم.

Sechs. Der Sechste. شش، ششم.

Sieben. Der Siebte. هفت، هفتم.

Acht. Der Achte. هشت، هشتم.

Neun. Der Neunte. نه، نهم.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Entschuldigen Sie! محذرت می خواهم!

Wie viel Uhr ist es, bitte? ساعت چند است؟

Danke vielmals. بسیار سپاسگزارم.

Es ist ein Uhr. ساعت یک است.

Es ist zwei Uhr. ساعت دو است.

Es ist drei Uhr. ساعت سه است.

Es ist vier Uhr. ساعت چهار است.

Es ist fünf Uhr. ساعت پنج است.

Es ist sechs Uhr. ساعت شش است.

Es ist sieben Uhr. ساعت هفت است.

Es ist acht Uhr. ساعت هشت است.

Es ist neun Uhr. ساعت نه است.

Es ist zehn Uhr. ساعت ده است.

Es ist elf Uhr. ساعت یازده است.

Es ist zwölf Uhr. ساعت دوازده است.

Eine Minute hat sechzig Sekunden. یک دقیقه شصت ثانیه دارد.

Eine Stunde hat sechzig Minuten. یک ساعت شصت دقیقه دارد.

Ein Tag hat vierundzwanzig Stunden. یک روز بیست و چهار ساعت دارد.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

دوشنبه der Montag ▶

سه شنبه der Dienstag ▶

چهارشنبه der Mittwoch ▶

پنج شنبه der Donnerstag ▶

جمعه der Freitag ▶

شنبه der Samstag ▶

یکشنبه der Sonntag ▶

هفته die Woche ▶

از دوشنبه تا یکشنبه von Montag bis Sonntag ▶

Der erste Tag ist Montag. اولین روز دوشنبه است. ▶

Der zweite Tag ist Dienstag. دومین روز سه شنبه است. ▶

Der dritte Tag ist Mittwoch. سومین روز چهارشنبه است. ▶

Der vierte Tag ist Donnerstag. چهارمین روز پنج شنبه است. ▶

Der fünfte Tag ist Freitag. پنجمین روز جمعه است. ▶

Der sechste Tag ist Samstag. ششمین روز شنبه است. ▶

Der siebte Tag ist Sonntag. هفتمین روز یکشنبه است. ▶

Die Woche hat sieben Tage. هفته هفت روز دارد. ▶

Wir arbeiten nur fünf Tage. ما فقط پنج روز کار میکنیم. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Gestern war Samstag. دیروز شنبه بود.

Gestern war ich im Kino. من دیروز سینما بودم.

Der Film war interessant. فیلم جالبی بود.

Heute ist Sonntag. امروز یکشنبه است.

Heute arbeite ich nicht. من امروز کار نمیکنم.

Ich bleibe zu Hause. من امروز در خانه می مانم.

Morgen ist Montag. فردا دوشنبه است.

Morgen arbeite ich wieder. من فردا دوباره کار می کنم.

Ich arbeite im Büro. من در اداره کار می کنم.

Wer ist das? او کیست؟

Das ist Peter. او پیتر است.

Peter ist Student. پیتر دانشجو است.

Wer ist das? او کیست؟

Das ist Martha. او مارتا است.

Martha ist Sekretärin. مارتا منشی است.

Peter und Martha sind Freunde. پیتر و مارتا با هم دوست هستند.

Peter ist der Freund von Martha. پیتر دوست پسر مارتا است.

Martha ist die Freundin von Peter. مارتا دوست دختر پیتر است.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

der Januar ژانویه ▶

der Februar فوریه ▶

der März مارس ▶

der April آوریل ▶

der Mai مه ▶

der Juni ژوئن ▶

Das sind sechs Monate. اینها شش ماه هستند.

Januar, Februar, März, ژانویه، فوریه، مارس،

April, Mai und Juni. آوریل، مه، ژوئن.

der Juli ژوئیه ▶

der August (اوت) آگوست ▶

der September سپتامبر ▶

der Oktober اکتبر ▶

der November نوامبر ▶

der Dezember دسامبر ▶

Das sind auch sechs Monate. اینها هم شش ماه هستند.

Juli, August, September, ژوئیه، آگوست، سپتامبر،

Oktober, November und Dezember. اکتبر، نوامبر، دسامبر.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Ich trinke Tee. من چای می نوشتم.



Ich trinke Kaffee. من قهوه می نوشتم.



Ich trinke Mineralwasser. من آب معدنی می نوشتم.



Trinkst du Tee mit Zitrone? تو چای را با لیمو می نوشتی؟



Trinkst du Kaffee mit Zucker? تو قهوه را با شکر می نوشتی؟



Trinkst du Wasser mit Eis? تو آب را با یخ می نوشتی؟



Hier ist eine Party. اینجا یک مهمانی است.



Die Leute trinken Sekt. مردم شامپاین می نوشند.



Die Leute trinken Wein und Bier. مردم شراب و آبجو می نوشند.



Trinkst du Alkohol? تو الکل می نوشتی؟



Trinkst du Whisky? تو ویسکی می نوشتی؟



Trinkst du Cola mit Rum? تو نوشابه و رام می نوشتی؟



Ich mag keinen Sekt. من شامپاین دوست ندارم.



Ich mag keinen Wein. من شراب دوست ندارم.



Ich mag kein Bier. من آبجو دوست ندارم.



Das Baby mag Milch. بچه شیر دوست دارد.



Das Kind mag Kakao und Apfelsaft. بچه کاکائو و آب سیب دوست دارد.



Die Frau mag Orangensaft und Grapefruitsaft. آن خانم آب پرتقال و آب گریپ فروت دوست دارد.





◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Was macht Martha? ▶

Sie arbeitet im Büro. ▶

Sie arbeitet am Computer. ▶

Wo ist Martha? ▶

Im Kino. ▶

Sie schaut sich einen Film an. ▶

Was macht Peter? ▶

Er studiert an der Universität. ▶

Er studiert Sprachen. ▶

Wo ist Peter? ▶

Im Café. ▶

Er trinkt Kaffee. ▶

Wohin gehen sie gern? ▶

Ins Konzert. ▶

Sie hören gern Musik. ▶

Wohin gehen sie nicht gern? ▶

In die Disco. ▶

Sie tanzen nicht gern. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Der Schnee ist weiß. برف سفید است.

Die Sonne ist gelb. خورشید زرد است.

Die Orange ist orange. پرتقال نارنجی است.

Die Kirsche ist rot. گیلاس قرمز است.

Der Himmel ist blau. آسمان آبی است.

Das Gras ist grün. چمن سبز است.

Die Erde ist braun. خاک قهوه ای است.

Die Wolke ist grau. ابر خاکستری است.

Die Reifen sind schwarz. لاستیک ها سیاه هستند.

Welche Farbe hat der Schnee? Weiß. برف چه رنگی است؟ سفید.

Welche Farbe hat die Sonne? Gelb. خورشید چه رنگی است؟ زرد.

Welche Farbe hat die Orange? Orange. پرتقال چه رنگی است؟ نارنجی.

Welche Farbe hat die Kirsche? Rot. گیلاس چه رنگی است؟ قرمز.

Welche Farbe hat der Himmel? Blau. آسمان چه رنگی است؟ آبی.

Welche Farbe hat das Gras? Grün. چمن چه رنگی است؟ سبز.

Welche Farbe hat die Erde? Braun. خاک چه رنگی است؟ قهوه ای.

Welche Farbe hat die Wolke? Grau. ابر چه رنگی است؟ خاکستری.

Welche Farbe haben die Reifen? Schwarz. لاستیک ها چه رنگی هستند؟ سیاه.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Ich habe eine Erdbeere. من یک توت فرنگی دارم.

Ich habe eine Kiwi und eine Melone. من یک گیوی و یک خربزه دارم.

Ich habe eine Orange und eine Grapefruit. من یک پرتقال و یک گریپ فروت دارم.

Ich habe einen Apfel und eine Mango. من یک سیب و یک انبه دارم.

Ich habe eine Banane und eine Ananas. من یک موز و یک آناناس دارم.

Ich mache einen Obstsalat. من یک سالاد میوه درست می کنم.

Ich esse einen Toast. من یک نان تست می خورم.

Ich esse einen Toast mit Butter. من نان تست با کره می خورم.

Ich esse einen Toast mit Butter und Marmelade. من یک نان تست با کره و مربا می خورم.

Ich esse ein Sandwich. من یک ساندویچ می خورم.

Ich esse ein Sandwich mit Margarine. من یک ساندویچ با مارگارین می خورم.

Ich esse ein Sandwich mit Margarine und Tomate. من ساندویچ با مارگارین و گوجه فرنگی می خورم.

Wir brauchen Brot und Reis. ما نان و برنج لازم داریم.

Wir brauchen Fisch und Steaks. ما ماهی و استیک لازم داریم.

Wir brauchen Pizza und Spagetti. ما پیتزا و اسپاگتی لازم داریم.

Was brauchen wir noch? ما چه چیز دیگری لازم داریم؟

Wir brauchen Karotten und Tomaten für die Suppe. ما برای سوپ هویج و گوجه فرنگی لازم داریم.

Wo ist ein Supermarkt? سوپرمارکت کجاست؟



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Das sind die Jahreszeiten: این ها فصل های سال هستند:

Der Frühling, der Sommer, بهار، تابستان،
der Herbst und der Winter. پاییز و زمستان.

Der Sommer ist heiß. تابستان گرم است.

Im Sommer scheint die Sonne. در تابستان خورشید می تابد.

Im Sommer gehen wir gern spazieren. در تابستان دوست داریم پیاده روی کنیم.

Der Winter ist kalt. زمستان سرد است.

Im Winter schneit oder regnet es. در زمستان برف یا باران می بارد.

Im Winter bleiben wir gern zu Hause. در زمستان بیشتر دوست داریم در خانه بمانیم.

Es ist kalt. سرد است.

Es regnet. باران می بارد.

Es ist windig. باد می وزد.

Es ist warm. گرم است.

Es ist sonnig. آفتابی است.

Es ist heiter. هوا صاف است.

Wie ist das Wetter heute? هوا امروز چگونه است؟

Es ist kalt heute. امروز سرد است.

Es ist warm heute. امروز گرم است.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Hier ist unser Haus. اینجا خانه ما است.

Oben ist das Dach. بالا پشت بام است.

Unten ist der Keller. پایین زیرزمین است.

Hinter dem Haus ist ein Garten. پشت خانه یک باغ است.

Vor dem Haus ist keine Straße. جلوی خانه خیابانی نیست.

Neben dem Haus sind Bäume. کنار خانه درختانی هستند.

Hier ist meine Wohnung. اینجا آپارتمان من است.

Hier ist die Küche und das Bad. اینجا آشپزخانه و حمام است.

Dort sind das Wohnzimmer und das Schlafzimmer. آنجا اتاق نشیمن و اتاق خواب است.

Die Haustür ist geschlossen. درب خانه بسته است.

Aber die Fenster sind offen. اما پنجره ها باز هستند.

Es ist heiß heute. امروز خیلی گرم است.

Wir gehen in das Wohnzimmer. ما به اتاق نشیمن می رویم.

Dort sind ein Sofa und ein Sessel. آنجا یک کاناپه و یک میز قرار دارند.

Setzen Sie sich! بفرمایید!

Dort steht mein Computer. آنجا کامپیوتر من قرار دارد.

Dort steht meine Stereoanlage. آنجا دستگاه استریوی من قرار دارد.

Der Fernseher ist ganz neu. تلویزیون کاملاً نو است.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Heute ist Samstag. امروز شنبه است.

Heute haben wir Zeit. ما امروز وقت داریم.

Heute putzen wir die Wohnung. امروز آپارتمان را تمیز می کنیم.

Ich putze das Bad. من حمام را تمیز می کنم.

Mein Mann wäscht das Auto. شوهرم اتومبیل را می شوید.

Die Kinder putzen die Fahrräder. بچه ها دوچرخه ها را تمیز می کنند.

Oma gießt die Blumen. مادربزرگ به گلها آب می دهد.

Die Kinder räumen das Kinderzimmer auf. بچه ها اتاقشان را تمیز می کنند.

Mein Mann räumt seinen Schreibtisch auf. شوهرم میز تحریرش را مرتب می کند.

Ich stecke die Wäsche in die Waschmaschine. من لباسها را درون ماشین لباسشویی می ریزم.

Ich hänge die Wäsche auf. من لباسها را آویزان می کنم.

Ich bügele die Wäsche. من لباسها را اتو می کنم.

Die Fenster sind schmutzig. پنجره ها کثیف هستند.

Der Fußboden ist schmutzig. کف اتاق کثیف است.

Das Geschirr ist schmutzig. ظرفها کثیف است.

Wer putzt die Fenster? کی پنجره ها را تمیز می کند؟

Wer saugt Staub? کی جارو می کند؟

Wer spült das Geschirr? کی ظرفها را می شوید؟



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Hast du eine neue Küche? تو یک آشپزخانه جدید داری؟ ▶

Was willst du heute kochen? امروز چه غذایی میخوای پزی؟ ▶

Kochst du elektrisch oder mit Gas? تو با برق یا با گاز غذا می پزی؟ ▶

Soll ich die Zwiebeln schneiden? پیازها را قاج کنم؟ ▶

Soll ich die Kartoffeln schälen? سیب زمینی ها را پوست بکنم؟ ▶

Soll ich den Salat waschen? کاهو را بشویم؟ ▶

Wo sind die Gläser? لیوانها کجا هست؟ ▶

Wo ist das Geschirr? ظرفها کجا هستند؟ ▶

Wo ist das Besteck? قاشق و چنگال و کارد کجا هستند؟ ▶

Hast du einen Dosenöffner? تو یک درب بازکن قوطی داری؟ ▶

Hast du einen Flaschenöffner? تو یک درب بازکن بطری داری؟ ▶

Hast du einen Korkenzieher? تو یک چوب پنبه کش داری؟ ▶

Kochst du die Suppe in diesem Topf? تو این قابلمه سوپ می پزی؟ ▶

Brätst du den Fisch in dieser Pfanne? تو ماهی را در این ماهی تابه سرخ می کنی؟ ▶

Grillst du das Gemüse auf diesem Grill? تو سبزی را با گریل کباب می کنی؟ ▶

Ich decke den Tisch. من میز را می چینم. ▶

Hier sind die Messer, Gabeln und Löffel. کاردها، چنگال ها و قاشق ها اینجا هستند. ▶

Hier sind die Gläser, die Teller und die Servietten. لیوانها، بشقابها و دستمال سفره ها اینجا هستند. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Machen Sie es sich bequem! راحت باشید!

Fühlen Sie sich wie zu Hause! منزل خودتان است.

Was möchten Sie trinken? چه میل دارید بنوشید؟

Lieben Sie Musik? موسیقی دوست دارید؟

Ich mag klassische Musik. من موسیقی کلاسیک دوست دارم.

Hier sind meine CDs. اینها سی دی های من هستند.

Spielen Sie ein Instrument? شما ساز می نوازید؟

Hier ist meine Gitarre. این گیتار من است.

Singen Sie gern? شما به آواز خواندن علاقه دارید؟

Haben Sie Kinder? شما فرزند دارید؟

Haben Sie einen Hund? شما سگ دارید؟

Haben Sie eine Katze? شما گربه دارید؟

Hier sind meine Bücher. اینها کتاب های من هستند.

Ich lese gerade dieses Buch. من الان دارم این کتاب را می خوانم.

Was lesen Sie gern? در چه حوزه ای مطالعه دارید؟

Gehen Sie gern ins Konzert? شما علاقه مند به کنسرت رفتن هستید؟

Gehen Sie gern ins Theater? شما علاقه مند به تئاتر رفتن هستید؟

Gehen Sie gern in die Oper? شما علاقه مند به اپرا رفتن هستید؟



نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Woher kommen Sie? شما از کجا می آید؟

Aus Basel. از بازل.

Basel liegt in der Schweiz. بازل در سوئیس قرار دارد.

Darf ich Ihnen Herrn Müller vorstellen? می توانم آقای مولر را به شما معرفی کنم؟

Er ist Ausländer. او خارجی است.

Er spricht mehrere Sprachen. او به چندین زبان تسلط دارد.

Sind Sie zum ersten Mal hier? شما برای اولین بار اینجا هستید؟

Nein, ich war schon letztes Jahr hier. نه، من سال گذشته هم اینجا بودم.

Aber nur eine Woche lang. اما تنها یک هفته.

Wie gefällt es Ihnen bei uns? از اینجا خوشتان می آید؟

Sehr gut. Die Leute sind nett. بسیار. مردم مهربان هستند.

Und die Landschaft gefällt mir auch. از مناظر اینجا هم خوشم می آید.

Was sind Sie von Beruf? شغل شما چیست؟

Ich bin Übersetzer. من مترجم هستم.

Ich übersetze Bücher. من کتاب ترجمه می کنم.

Sind Sie allein hier? شما اینجا تنها هستید؟

Nein, meine Frau / mein Mann ist auch hier. نه، خانم / شوهرم هم اینجا است.

Und dort sind meine beiden Kinder. و دو فرزندم آنجا هستند.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Rauchen Sie? شما سیگار می کشید؟

Früher ja. در گذشته، بله.

Aber jetzt rauche ich nicht mehr. اما حالا دیگر سیگار نمی کشم.

Stört es Sie, wenn ich rauche? اذیت می شود اگر من سیگار بکشم؟

Nein, absolut nicht. نه، مطلقاً نه.

Das stört mich nicht. مزاحمتی برای من نیست.

Trinken Sie etwas? شما چیزی می نوشید؟

Einen Cognac? یک گیناس کنیاک؟

Nein, lieber ein Bier. نه، ترجیح میدهم یک آبجو بنوشم.

Reisen Sie viel? شما زیاد مسافرت می کنید؟

Ja, meistens sind das Geschäftsreisen. بله، البته اکثر سفر های کاری.

Aber jetzt machen wir hier Urlaub. اما حالا اینجا تعطیلاتمان را می گذرانیم.

Was für eine Hitze! اینجا چقدر گرم است!

Ja, heute ist es wirklich heiß. بله امروز واقعاً گرم است.

Gehen wir auf den Balkon. برویم روی بالکن.

Morgen gibt es hier eine Party. فردا اینجا یک مهمانی برگزار می شود.

Kommen Sie auch? شما هم می آید؟

Ja, wir sind auch eingeladen. بله، ما هم دعوت شده ایم.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Wo haben Sie Spanisch gelernt? ▶

Können Sie auch Portugiesisch? ▶

Ja, und ich kann auch etwas Italienisch. ▶

Ich finde, Sie sprechen sehr gut. ▶

Die Sprachen sind ziemlich ähnlich. ▶

Ich kann sie gut verstehen. ▶

Aber sprechen und schreiben ist schwer. ▶

Ich mache noch viele Fehler. ▶

Bitte korrigieren Sie mich immer. ▶

Ihre Aussprache ist ganz gut. ▶

Sie haben einen kleinen Akzent. ▶

Man erkennt, woher Sie kommen. ▶

Was ist Ihre Muttersprache? ▶

Machen Sie einen Sprachkurs? ▶

Welches Lehrwerk benutzen Sie? ▶

Ich weiß im Moment nicht, wie das heißt. ▶

Mir fällt der Titel nicht ein. ▶

Ich habe das vergessen. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Hast du den Bus verpasst? به اتوبوس نرسیدی؟ ▶

Ich habe eine halbe Stunde auf dich gewartet. من نیم ساعت منتظر تو بودم. ▶

Hast du kein Handy bei dir? تلفن همراه با خودت نداری؟ ▶

Sei das nächste Mal pünktlich! دفعه دیگر وقت شناس باش! ▶

Nimm das nächste Mal ein Taxi! دفعه دیگر با تاکسی بیا! ▶

Nimm das nächste Mal einen Regenschirm mit! دفعه دیگر یک چتر با خودت بیاور! ▶

Morgen habe ich frei. فردا تعطیل هستم. ▶

Wollen wir uns morgen treffen? می خواهی فردا قرار بگذاریم؟ ▶

Tut mir Leid, morgen geht es bei mir nicht. متأسفم، من فردا وقت ندارم. ▶

Hast du dieses Wochenende schon etwas vor? این آخر هفته برنامه ای داری؟ ▶

Oder bist du schon verabredet? یا این که با کسی قرار ملاقات داری؟ ▶

Ich schlage vor, wir treffen uns am Wochenende. من پیشنهاد می کنم آخر هفته همدیگر را ببینیم. ▶

Wollen wir Picknick machen? می خواهی به پیک نیک برویم؟ ▶

Wollen wir an den Strand fahren? می خواهی به ساحل دریا برویم؟ ▶

Wollen wir in die Berge fahren? می خواهی به کوه برویم؟ ▶

Ich hole dich vom Büro ab. من درب اداره دنبالت می آیم. ▶

Ich hole dich von zu Hause ab. من درب خانه دنبالت می آیم. ▶

Ich hole dich an der Bushaltestelle ab. من جلوی ایستگاه اتوبوس دنبالت می آیم. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Ich möchte zum Bahnhof. من می خواهم به طرف ایستگاه قطار بروم.



Ich möchte zum Flughafen. من می خواهم به فرودگاه بروم.



Ich möchte ins Stadtzentrum. من می خواهم به مرکز شهر بروم.



Wie komme ich zum Bahnhof? چه جوری به ایستگاه قطار بروم؟



Wie komme ich zum Flughafen? چه جوری به فرودگاه بروم؟



Wie komme ich ins Stadtzentrum? چه جوری به مرکز شهر بروم؟



Ich brauche ein Taxi. من به یک تاکسی احتیاج دارم.



Ich brauche einen Stadtplan. من به یک نقشه احتیاج دارم.



Ich brauche ein Hotel. من به یک هتل احتیاج دارم.



Ich möchte ein Auto mieten. من می خواهم یک اتومبیل کرایه کنم.



Hier ist meine Kreditkarte. این کارت اعتباری من است.



Hier ist mein Führerschein. این گواهی نامه رانندگی من است.



Was gibt es in der Stadt zu sehen? در شهر چه چیزی برای دیدن وجود دارد؟



Gehen Sie in die Altstadt. به بافت قدیم شهر بروید.



Machen Sie eine Stadtrundfahrt. یک گردش با تور در شهر انجام دهید.



Gehen Sie zum Hafen. به بندر بروید.



Machen Sie eine Hafenrundfahrt. گردش در بندر کنید.



Welche Sehenswürdigkeiten gibt es außerdem noch? دیدنی های دیگری هم وجود دارند؟





نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Siehst du dort den Turm? آن برج را آنجا می بینی؟

Siehst du dort den Berg? آن کوه را آنجا می بینی؟

Siehst du dort das Dorf? آن دهکده را آنجا می بینی؟

Siehst du dort den Fluss? آن رودخانه را آنجا می بینی؟

Siehst du dort die Brücke? آن پل را آنجا می بینی؟

Siehst du dort den See? آن دریاچه را آنجا می بینی؟

Der Vogel da gefällt mir. من از آن پرنده خوشم می آید.

Der Baum da gefällt mir. از آن درخت خوشم می آید.

Der Stein hier gefällt mir. از این سنگ خوشم می آید.

Der Park da gefällt mir. از آن پارک خوشم می آید.

Der Garten da gefällt mir. از آن باغ خوشم می آید.

Die Blume hier gefällt mir. از این گل خوشم می آید.

Ich finde das hübsch. به نظر من آن زیباست.

Ich finde das interessant. به نظر من آن جالب است.

Ich finde das wunderschön. به نظر من آن بسیار زیباست.

Ich finde das hässlich. به نظر من آن زشت است.

Ich finde das langweilig. به نظر من آن کسل کننده است.

Ich finde das furchtbar. به نظر من آن وحشتناک است.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Haben Sie ein Zimmer frei? اتاق خالی دارید؟ ▶

Ich habe ein Zimmer reserviert. من یک اتاق رزرو کرده ام. ▶

Mein Name ist Müller. اسم من مولر است. ▶

Ich brauche ein Einzelzimmer. من به یک اتاق یک تخته احتیاج دارم. ▶

Ich brauche ein Doppelzimmer. من به یک اتاق دو تخته احتیاج دارم. ▶

Wie viel kostet das Zimmer pro Nacht? اتاق شبی چند است؟ ▶

Ich möchte ein Zimmer mit Bad. من یک اتاق با حمام می خواهم. ▶

Ich möchte ein Zimmer mit Dusche. من یک اتاق با دوش می خواهم. ▶

Kann ich das Zimmer sehen? می توانم اتاق را ببینم؟ ▶

Gibt es hier eine Garage? اینجا پارکینگ دارد؟ ▶

Gibt es hier einen Safe? اینجا گاو صندوق دارد؟ ▶

Gibt es hier ein Fax? اینجا فاکس وجود دارد؟ ▶

Gut, ich nehme das Zimmer. بسیار خوب ، من اتاق را می گیرم. ▶

Hier sind die Schlüssel. کلید ها اینجا هستند. ▶

Hier ist mein Gepäck. چمدان من اینجا است. ▶

Um wie viel Uhr gibt es Frühstück? ساعت چند صبحانه سرو می شود؟ ▶

Um wie viel Uhr gibt es Mittagessen? ساعت چند نهار سرو می شود؟ ▶

Um wie viel Uhr gibt es Abendessen? ساعت چند شام سرو می شود؟ ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Die Dusche funktioniert nicht. (دوش خراب است).

Es kommt kein warmes Wasser. آب گرم نمی آید.

Können Sie das reparieren lassen? می توانید برای تعمیر آن اقدام کنید؟

Es gibt kein Telefon im Zimmer. اتاق فاقد تلفن است.

Es gibt keinen Fernseher im Zimmer. اتاق تلویزیون ندارد.

Das Zimmer hat keinen Balkon. اتاق بدون بالکن است.

Das Zimmer ist zu laut. اتاق خیلی سروصدا دارد.

Das Zimmer ist zu klein. اتاق خیلی کوچک است.

Das Zimmer ist zu dunkel. اتاق خیلی تاریک است.

Die Heizung funktioniert nicht. (شوفاژ خراب است).

Die Klimaanlage funktioniert nicht. دستگاه تهویه کار نمیکند.

Der Fernseher ist kaputt. تلویزیون خراب است.

Das gefällt mir nicht. این مورد پسند من نیست.

Das ist mir zu teuer. این برای من خیلی گران است.

Haben Sie etwas Billigeres? چیز ارزان تری ندارید؟

Gibt es hier in der Nähe eine Jugendherberge? در این نزدیکی خوابگاهی وجود دارد؟

Gibt es hier in der Nähe eine Pension? در این نزدیکی پانسیون وجود دارد؟

Gibt es hier in der Nähe ein Restaurant? در این نزدیکی رستورانی وجود دارد؟



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Ist der Tisch frei? آیا این میز آزاد است؟

Ich möchte bitte die Speisekarte. لطفاً لیست غذا را به من بدهید.

Was können Sie empfehlen? توصیه شما چیست؟

Ich hätte gern ein Bier. لطفاً یک آبجو به من بدهید.

Ich hätte gern ein Mineralwasser. لطفاً یک آب معدنی به من بدهید.

Ich hätte gern einen Orangensaft. لطفاً یک آب پرتقال به من بدهید.

Ich hätte gern einen Kaffee. لطفاً یک قهوه به من بدهید.

Ich hätte gern einen Kaffee mit Milch. لطفاً یک قهوه با شیر به من بدهید.

Mit Zucker, bitte. لطفاً با شکر، لطفاً

Ich möchte einen Tee. من یک چای می خواهم.

Ich möchte einen Tee mit Zitrone. من یک چای با لیمو می خواهم.

Ich möchte einen Tee mit Milch. من یک چای با شیر می خواهم.

Haben Sie Zigaretten? سیگار دارید؟

Haben Sie einen Aschenbecher? زیرسیگاری دارید؟

Haben Sie Feuer? کبریت دارید؟

Mir fehlt eine Gabel. من چنگال ندارم.

Mir fehlt ein Messer. من کارد ندارم.

Mir fehlt ein Löffel. من قاشق ندارم.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Einen Apfelsaft, bitte. یک آب سیب لطفاً.

Eine Limonade, bitte. یک لیموناد لطفاً.

Einen Tomatensaft, bitte. یک آب گوجه فرنگی لطفاً.

Ich hätte gern ein Glas Rotwein. یک لیوان شراب قرمز لطفاً.

Ich hätte gern ein Glas Weißwein. یک لیوان شراب سفید لطفاً.

Ich hätte gern eine Flasche Sekt. یک بطری شامپاین لطفاً.

Magst du Fisch? ماهی دوست داری؟

Magst du Rindfleisch? گوشت گاو دوست داری؟

Magst du Schweinefleisch? گوشت خوک دوست داری؟

Ich möchte etwas ohne Fleisch. من یک غذای بدون گوشت می خواهم.

Ich möchte eine Gemüseplatte. من یک ظرف سبزی می خواهم.

Ich möchte etwas, was nicht lange dauert. غذایی می خواهم که تهیه آن زیاد طول نکشد.

Möchten Sie das mit Reis? غذا را با برنج می خواهید؟

Möchten Sie das mit Nudeln? غذا را با ماکارونی می خواهید؟

Möchten Sie das mit Kartoffeln? غذا را با سیب زمینی می خواهید؟

Das schmeckt mir nicht. غذا خوشمزه نیست.

Das Essen ist kalt. غذا سرد است.

Das habe ich nicht bestellt. من این غذا را سفارش ندادم.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Ich möchte eine Vorspeise. من یک پیش غذا می خواهم.

Ich möchte einen Salat. من یک سالاد می خواهم.

Ich möchte eine Suppe. من یک سوپ می خواهم.

Ich möchte einen Nachtisch. من یک دسر می خواهم.

Ich möchte ein Eis mit Sahne. من یک بستنی با خامه می خواهم.

Ich möchte Obst oder Käse. من میوه یا پنیر می خواهم.

Wir möchten frühstücken. ما می خواهیم صبحانه بخوریم.

Wir möchten zu Mittag essen. ما می خواهیم ناهار بخوریم.

Wir möchten zu Abend essen. ما می خواهیم شام بخوریم.

Was möchten Sie zum Frühstück? شما صبحانه چی میل دارید؟

Brötchen mit Marmelade und Honig? نان یا مربا و عسل؟

Toast mit Wurst und Käse? نان تست با سوسیس و پنیر؟

Ein gekochtes Ei? یک تخم مرغ پخته؟

Ein Spiegelei? یک تخم مرغ نیمرو؟

Ein Omelett? یک املت؟

Bitte noch einen Joghurt. لطفاً یک ماست دیگر بیاورید.

Bitte noch Salz und Pfeffer. لطفاً باز هم نمک و فلفل بیاورید.

Bitte noch ein Glas Wasser. لطفاً باز هم یک لیوان آب بیاورید.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

- Einmal Pommes frites mit Ketchup. ▶
 Und zweimal mit Mayonnaise. ▶
 Und dreimal Bratwurst mit Senf. ▶

Was für Gemüse haben Sie? چه نوع سبزی دارید؟ ▶

Haben Sie Bohnen? لوبیا دارید؟ ▶

Haben Sie Blumenkohl? گل کلم دارید؟ ▶

Ich esse gern Mais. من ذرت دوست دارم بخورم. ▶

Ich esse gern Gurken. من خیار دوست دارم بخورم. ▶

Ich esse gern Tomaten. من گوجه فرنگی دوست دارم بخورم. ▶

Essen Sie auch gern Lauch? پیازچه دوست دارید بخورید؟ ▶

Essen Sie auch gern Sauerkraut? ترشی کلم دوست دارید بخورید؟ ▶

Essen Sie auch gern Linsen? عدس دوست دارید بخورید؟ ▶

Isst du auch gern Karotten? هویج دوست داری بخوری؟ ▶

Isst du auch gern Brokkoli? بروکلی دوست داری بخوری؟ ▶

Isst du auch gern Paprika? فلفل سبز دوست داری بخوری؟ ▶

Ich mag keine Zwiebeln. من پیاز دوست ندارم. ▶

Ich mag keine Oliven. من از زیتون خوشم نمی آید. ▶

Ich mag keine Pilze. من از قارچ خوشم نمی آید. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

- Wann fährt der nächste Zug nach Berlin? ▶
- Wann fährt der nächste Zug nach Paris? ▶
- Wann fährt der nächste Zug nach London? ▶
- Um wie viel Uhr fährt der Zug nach Warschau? ▶
- Um wie viel Uhr fährt der Zug nach Stockholm? ▶
- Um wie viel Uhr fährt der Zug nach Budapest? ▶
- Ich möchte eine Fahrkarte nach Madrid. ▶
- Ich möchte eine Fahrkarte nach Prag. ▶
- Ich möchte eine Fahrkarte nach Bern. ▶
- Wann kommt der Zug in Wien an? ▶
- Wann kommt der Zug in Moskau an? ▶
- Wann kommt der Zug in Amsterdam an? ▶
- Muss ich umsteigen? ▶
- Von welchem Gleis fährt der Zug ab? ▶
- Gibt es Schlafwagen im Zug? ▶
- Ich möchte nur die Hinfahrt nach Brüssel. ▶
- Ich möchte eine Rückfahrkarte nach Kopenhagen. ▶
- Was kostet ein Platz im Schlafwagen? ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Ist das der Zug nach Berlin? این قطاری است که به برلین می رود؟

Wann fährt der Zug ab? قطار چه موقع حرکت می کند؟

Wann kommt der Zug in Berlin an? قطار چه موقع به برلین می رسد؟

Verzeihung, darf ich vorbei? عذر منم، اجازه هست عبور کنم؟

Ich glaube, das ist mein Platz. فکر می کنم اینجا جای من است.

Ich glaube, Sie sitzen auf meinem Platz. فکر می کنم شما روی صندلی من نشسته اید.

Wo ist der Schlafwagen? کویه خواب کجا است؟

Der Schlafwagen ist am Ende des Zuges. کویه خواب در انتهای قطار است.

Und wo ist der Speisewagen? – Am Anfang. و رستوران قطار کجاست؟ در ابتدای قطار.

Kann ich unten schlafen? می توانم پایین بخوابم؟

Kann ich in der Mitte schlafen? می توانم وسط بخوابم؟

Kann ich oben schlafen? می توانم بالا بخوابم؟

Wann sind wir an der Grenze? کی به مرز می رسیم؟

Wie lange dauert die Fahrt nach Berlin? سفر به برلین چه مدت طول می کشد؟

Hat der Zug Verspätung? قطار تاخیر دارد؟

Haben Sie etwas zu lesen? چیزی برای خواندن دارید؟

Kann man hier etwas zu essen und zu trinken bekommen? اینجا می توان خوراکی یا نوشیدنی تهیه کرد؟

Würden Sie mich bitte um 7.00 Uhr wecken? می توانم شما را ساعت 7 بیدار کنید؟



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Ich möchte einen Flug nach Athen buchen. من می خواهم یک پرواز به آتن رزرو کنم.

Ist das ein Direktflug? این یک پرواز مستقیم است؟

Bitte einen Fensterplatz, Nichtraucher. لطفاً یک صندلی کنار پنجره برای غیر سیگاری ها.

Ich möchte meine Reservierung bestätigen. من می خواهم بلیط رزرو شده ام را تأیید کنم.

Ich möchte meine Reservierung stornieren. من می خواهم بلیط رزرو شده ام را کنسل کنم.

Ich möchte meine Reservierung umbuchen. من می خواهم تاریخ و ساعت بلیطم را تغییر دهم.

Wann geht die nächste Maschine nach Rom? پرواز بعدی به رم چه زمانی است؟

Sind noch zwei Plätze frei? دو جای (صندلی) دیگر خالی است؟

Nein, wir haben nur noch einen Platz frei. نه، ما فقط یک جای خالی داریم.

Wann landen wir? کی فرود می آییم؟

Wann sind wir da? کی در مقصد هستیم؟

Wann fährt ein Bus ins Stadtzentrum? چه موقع یک اتوبوس به مرکز شهر می رود؟

Ist das Ihr Koffer? این چمدان شماست؟

Ist das Ihre Tasche? این کیف شماست؟

Ist das Ihr Gepäck? این وسایل سفر شماست؟

Wie viel Gepäck kann ich mitnehmen? چه مقدار بار می توانم با خود بیاورم؟

Zwanzig Kilo. بیست کیلو.

Was, nur zwanzig Kilo? چی، فقط بیست کیلو؟



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Wo ist die Bushaltestelle? ایستگاه اتوبوس کجاست؟ ▶

Welcher Bus fährt ins Zentrum? کدام اتوبوس به مرکز شهر می رود؟ ▶

Welche Linie muss ich nehmen? چه خطی (چه اتوبوسی) باید سوار شوم؟ ▶

Muss ich umsteigen? باید وسیله نقلیه را عوض کنم؟ ▶

Wo muss ich umsteigen? کجا باید وسیله نقلیه را عوض کنم؟ ▶

Was kostet ein Fahrschein? قیمت یک بلیط چند است؟ ▶

Wie viele Haltestellen sind es bis zum Zentrum? تا مرکز شهر چند ایستگاه است؟ ▶

Sie müssen hier aussteigen. شما باید اینجا پیاده شوید. ▶

Sie müssen hinten aussteigen. شما باید از قسمت عقب ماشین پیاده شوید. ▶

Die nächste U-Bahn kommt in 5 Minuten. متروی (زیرزمینی) بعدی 5 دقیقه دیگر می آید. ▶

Die nächste Straßenbahn kommt in 10 Minuten. متروی بعدی 10 دقیقه دیگر می آید. ▶

Der nächste Bus kommt in 15 Minuten. اتوبوس بعدی 15 دقیقه دیگر می آید. ▶

Wann fährt die letzte U-Bahn? آخرین مترو (زیرزمینی) کی حرکت می کند؟ ▶

Wann fährt die letzte Straßenbahn? آخرین مترو کی حرکت می کند؟ ▶

Wann fährt der letzte Bus? آخرین اتوبوس کی حرکت می کند؟ ▶

Haben Sie einen Fahrschein? شما بلیط دارید؟ ▶

Einen Fahrschein? – Nein, ich habe keinen. بلیط؟ – نه ندارم. ▶

Dann müssen Sie eine Strafe zahlen. پس باید جریمه بپردازید. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Er fährt mit dem Motorrad. او (مرد) با موتورسیکلت حرکت می کند. ▶

Er fährt mit dem Fahrrad. او (مرد) با دوچرخه حرکت می کند. ▶

Er geht zu Fuß. او (مرد) پیاده می رود. ▶

Er fährt mit dem Schiff. او (مرد) با کشتی حرکت می کند. ▶

Er fährt mit dem Boot. او (مرد) با قایق حرکت می کند. ▶

Er schwimmt. او (مرد) شنا می کند. ▶

Ist es hier gefährlich? اینجا جای خطرناکی است؟ ▶

Ist es gefährlich, allein zu trampen? آیا تنهایی قدم زدن خطرناک است؟ ▶

Ist es gefährlich, nachts spazieren zu gehen? آیا شب ها به پیاده روی رفتن خطرناک است؟ ▶

Wir haben uns verfahren. ما راه را (با ماشین) اشتباه رفته ایم. ▶

Wir sind auf dem falschen Weg. ما در مسیر اشتباه هستیم. ▶

Wir müssen umkehren. ما باید برگردیم. ▶

Wo kann man hier parken? اینجا کجا می شود پارک کرد؟ ▶

Gibt es hier einen Parkplatz? اینجا پارکینگ وجود دارد؟ ▶

Wie lange kann man hier parken? چه مدت می توان اینجا پارک کرد؟ ▶

Fahren Sie Ski? شما اسکی می کنید؟ ▶

Fahren Sie mit dem Skilift nach oben? با تله سیز (بالابر اسکی) بالا می روید؟ ▶

Kann man hier Ski leihen? آیا می توان اینجا چوب اسکی کرایه کرد؟ ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

- Rufen Sie bitte ein Taxi. لطفاً یک تاکسی صدا کنید. ▶
- Was kostet es bis zum Bahnhof? تا ایستگاه قطار کرایه چقدر است؟ ▶
- Was kostet es bis zum Flughafen? تا فرودگاه کرایه چقدر است؟ ▶
- Bitte geradeaus. لطفاً مستقیم بروید. ▶
- Bitte hier nach rechts. لطفاً اینجا سمت راست بروید. ▶
- Bitte dort an der Ecke nach links. لطفاً آنجا سر نیش سمت چپ بروید. ▶
- Ich habe es eilig. من عجله دارم. ▶
- Ich habe Zeit. من وقت دارم. ▶
- Fahren Sie bitte langsamer. لطفاً آهسته تر برانید. ▶
- Halten Sie hier bitte. لطفاً اینجا توقف کنید. ▶
- Warten Sie bitte einen Moment. لطفاً یک لحظه صبر کنید. ▶
- Ich bin gleich zurück. من الان بر می گردم. ▶
- Bitte geben Sie mir eine Quittung. لطفاً یک قبض رسید به من بدهید. ▶
- Ich habe kein Kleingeld. من پول خرد ندارم. ▶
- Es stimmt so, der Rest ist für Sie. درست است، بقیه پول برای خودتان. ▶
- Fahren Sie mich zu dieser Adresse. مرا به این آدرس ببرید. ▶
- Fahren Sie mich zu meinem Hotel. مرا به هتلم ببرید. ▶
- Fahren Sie mich zum Strand. مرا (با ماشین) به ساحل ببرید. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Wo ist die nächste Tankstelle?

Ich habe einen Platten.

Können Sie das Rad wechseln?

Ich brauche ein paar Liter Diesel.

Ich habe kein Benzin mehr.

Haben Sie einen Reservekanister?

Wo kann ich telefonieren?

Ich brauche einen Abschleppdienst.

Ich suche eine Werkstatt.

Es ist ein Unfall passiert.

Wo ist das nächste Telefon?

Haben Sie ein Handy bei sich?

Wir brauchen Hilfe.

Rufen Sie einen Arzt!

Rufen Sie die Polizei!

Ihre Papiere, bitte.

Ihren Führerschein, bitte.

Ihren Kfz-Schein, bitte.



نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

Entschuldigen Sie! معذرت میخواهم!

Können Sie mir helfen? میتوانید به من کمک کنید؟

Wo gibt es hier ein gutes Restaurant? در این اطراف رستوران خوبی وجود دارد؟

Gehen Sie links um die Ecke. سر نیش، سمت چپ بروید.

Gehen Sie dann ein Stück geradeaus. سپس مقداری مستقیم بروید.

Gehen Sie dann hundert Meter nach rechts. بعد صد متر به طرف راست بروید.

Sie können auch den Bus nehmen. با اتوبوس هم میتوانید بروید.

Sie können auch die Straßenbahn nehmen. با مترو هم می توانید بروید.

Sie können auch einfach hinter mir herfahren. اصلاً می توانید پشت سر من حرکت کنید.

Wie komme ich zum Fußballstadion? چگونه به استادیوم فوتبال بروم؟

Überqueren Sie die Brücke! از پل عبور کنید.

Fahren Sie durch den Tunnel! از تونل عبور کنید.

Fahren Sie bis zur dritten Ampel. تا سومین چراغ راهنما بروید.

Biegen Sie dann die erste Straße rechts ab. سپس اولین خیابان به طرف راست بپیچید.

Fahren Sie dann geradeaus über die nächste Kreuzung. و بعد از چهارراه عبور کنید.

Entschuldigung, wie komme ich zum Flughafen? ببخشید، چگونه به فرودگاه بروم؟

Am besten nehmen Sie die U-Bahn. بهترین راه این است که با مترو بروید.

Fahren Sie einfach bis zur Endstation. تا آخرین ایستگاه بروید.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

- Wo ist das Fremdenverkehrsamt? سازمان گردشگری کجاست؟ ▶
- Haben Sie einen Stadtplan für mich? یک نقشه شهری برای من دارید؟ ▶
- Kann man hier ein Hotelzimmer reservieren? میتوان اینجا یک اتاق در هتل رزرو کرد؟ ▶

- Wo ist die Altstadt? بافت قدیم شهر کجاست؟ ▶
- Wo ist der Dom? کلیسای بزرگ کجاست؟ ▶
- Wo ist das Museum? موزه کجاست؟ ▶

- Wo gibt es Briefmarken zu kaufen? کجا میتوان نمبر خرید؟ ▶
- Wo gibt es Blumen zu kaufen? کجا میتوان گل خرید؟ ▶
- Wo gibt es Fahrkarten zu kaufen? کجا میتوان بلیط خرید؟ ▶

- Wo ist der Hafen? بندر کجاست؟ ▶
- Wo ist der Markt? بازار کجاست؟ ▶
- Wo ist das Schloss? قصر کجاست؟ ▶

- Wann beginnt die Führung? تور بازدید کی شروع میشود؟ ▶
- Wann endet die Führung? تور بازدید کی تمام میشود؟ ▶
- Wie lange dauert die Führung? تور بازدید چقدر طول میکشد؟ ▶

- Ich möchte einen Führer, der Deutsch spricht. من یک راهنما میخواهم که آلمانی صحبت کند. ▶
- Ich möchte einen Führer, der Italienisch spricht. من یک راهنما میخواهم که ایتالیایی صحبت کند. ▶
- Ich möchte einen Führer, der Französisch spricht. من یک راهنما میخواهم که فرانسوی صحبت کند. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

- Ist der Markt sonntags geöffnet? بازار یکشنبه ها باز است؟ ▶
- Ist die Messe montags geöffnet? نمایشگاه دوشنبه ها باز است؟ ▶
- Ist die Ausstellung dienstags geöffnet? نمایشگاه (گالری) سه شنبه ها باز است؟ ▶
- Hat der Zoo mittwochs geöffnet? باغ وحش چهارشنبه ها باز است؟ ▶
- Hat das Museum donnerstags geöffnet? موزه پنجشنبه ها باز است؟ ▶
- Hat die Galerie freitags geöffnet? گالری جمعه ها باز است؟ ▶
- Darf man fotografieren? عکس گرفتن مجاز است؟ ▶
- Muss man Eintritt bezahlen? باید ورودی داد؟ ▶
- Wie viel kostet der Eintritt? بلیط ورودی چند است؟ ▶
- Gibt es eine Ermäßigung für Gruppen? تخفیف برای گروه وجود دارد؟ ▶
- Gibt es eine Ermäßigung für Kinder? تخفیف برای بچه ها وجود دارد؟ ▶
- Gibt es eine Ermäßigung für Studenten? تخفیف برای دانشجویان وجود دارد؟ ▶
- Was für ein Gebäude ist das? این چه ساختمانی است؟ ▶
- Wie alt ist das Gebäude? قدمت ساختمان چقدر است؟ ▶
- Wer hat das Gebäude gebaut? چه کسی ساختمان را بنا کرده است (ساخته است)؟ ▶
- Ich interessiere mich für Architektur. من به معماری علاقه مندم. ▶
- Ich interessiere mich für Kunst. من علاقه مند به هنر هستم. ▶
- Ich interessiere mich für Malerei. من علاقه مند به نقاشی هستم. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

Dort ist der Zoo. آنجا باغ وحش است.

Dort sind die Giraffen. آنجا زرافه ها هستند.

Wo sind die Bären? خرسها کجا هستند؟

Wo sind die Elefanten? فیل ها کجا هستند؟

Wo sind die Schlangen? مارها کجا هستند؟

Wo sind die Löwen? شیرها کجا هستند؟

Ich habe einen Fotoapparat. من یک دوربین عکاسی دارم.

Ich habe auch eine Filmkamera. من یک دوربین فیلم برداری هم دارم.

Wo ist eine Batterie? باتری کجاست؟

Wo sind die Pinguine? پنگوئن ها کجا هستند؟

Wo sind die Kängurus? کانگوروها کجا هستند؟

Wo sind die Nashörner? کرگدن ها کجا هستند؟

Wo ist eine Toilette? توالت کجاست؟

Dort ist ein Café. آنجا یک کافه است.

Dort ist ein Restaurant. آنجا یک رستوران است.

Wo sind die Kamele? شترها کجا هستند؟

Wo sind die Gorillas und die Zebras? گوریل ها و زرافه ها کجا هستند؟

Wo sind die Tiger und die Krokodile? ببرها و تمساح ها کجا هستند؟



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Gibt es hier eine Diskothek? در اینجا دیسکو وجود دارد؟ ▶

Gibt es hier einen Nachtclub? در اینجا کلابز وجود دارد؟ ▶

Gibt es hier eine Kneipe? آیا اینجا یک بار وجود دارد؟ ▶

Was gibt es heute Abend im Theater? امشب برنامه تئاتر چیست؟ ▶

Was gibt es heute Abend im Kino? برنامه امشب سینما چیست؟ ▶

Was gibt es heute Abend im Fernsehen? امشب تلویزیون چی نشان می دهد؟ ▶

Gibt es noch Karten fürs Theater? هنوز بلیط تئاتر موجود است؟ ▶

Gibt es noch Karten fürs Kino? هنوز بلیط سینما موجود است؟ ▶

Gibt es noch Karten für das Fußballspiel? هنوز بلیط برای مسابقات بازی فوتبال موجود است؟ ▶

Ich möchte ganz hinten sitzen. من دوست دارم کاملاً عقب بنشینم. ▶

Ich möchte irgendwo in der Mitte sitzen. من دوست دارم یک جایی در وسط بنشینم. ▶

Ich möchte ganz vorn sitzen. من دوست دارم کاملاً جلو بنشینم. ▶

Können Sie mir etwas empfehlen? می توانید چیزی به من توصیه کنید؟ ▶

Wann beginnt die Vorstellung? نمایش چه موقع شروع می شود؟ ▶

Können Sie mir eine Karte besorgen? می توانید برای من یک بلیط تهیه کنید؟ ▶

Ist hier in der Nähe ein Golfplatz? آیا این نزدیکی ها یک زمین گلف وجود دارد؟ ▶

Ist hier in der Nähe ein Tennisplatz? آیا این نزدیکی ها یک زمین تنیس وجود دارد؟ ▶

Ist hier in der Nähe ein Hallenbad? آیا این نزدیکی ها یک استخر سرپوشیده وجود دارد؟ ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

- Wir wollen ins Kino. ما می خواهیم به سینما برویم. ▶
- Heute läuft ein guter Film. امروز فیلم خوبی روی پرده است. ▶
- Der Film ist ganz neu. این فیلم کاملاً جدید است. ▶
- Wo ist die Kasse? گیشه فروش بلیط کجاست؟ ▶
- Gibt es noch freie Plätze? هنوز صندلی خالی وجود دارد؟ ▶
- Was kosten die Eintrittskarten? قیمت بلیط چند است؟ ▶
- Wann beginnt die Vorstellung? نمایش فیلم چه موقع شروع می شود؟ ▶
- Wie lange dauert der Film? نمایش فیلم چه مدت طول می کشد؟ ▶
- Kann man Karten reservieren? می توان بلیط رزرو کرد؟ ▶
- Ich möchte hinten sitzen. من دوست دارم عقب بنشینم. ▶
- Ich möchte vorn sitzen. من دوست دارم جلو بنشینم. ▶
- Ich möchte in der Mitte sitzen. من دوست دارم وسط بنشینم. ▶
- Der Film war spannend. فیلم مهیج بود. ▶
- Der Film war nicht langweilig. فیلم خسته کننده نبود. ▶
- Aber das Buch zum Film war besser. اما کتاب مربوط به این فیلم بهتر بود. ▶
- Wie war die Musik? موزیک چطور بود؟ ▶
- Wie waren die Schauspieler? هنرپیشه ها چطور بودند؟ ▶
- Gab es Untertitel in englischer Sprache? آیا زیر نویس انگلیسی داشت؟ ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Ist der Platz hier frei? این صندلی خالی است؟ ▶

Darf ich mich zu Ihnen setzen? اجازه هست کنار شما بنشینیم؟ ▶

Gern. با کمال میل. ▶

Wie finden Sie die Musik? نظرشان در مورد موسیقی چیست؟ ▶

Ein bisschen zu laut. صدای آن کمی بلند است. ▶

Aber die Band spielt ganz gut. اما گروه موسیقی کارشان را نسبتاً خوب انجام می دهد. ▶

Sind Sie öfter hier? شما زیاد اینجا می آید؟ ▶

Nein, das ist das erste Mal. نه، این اولین بار است. ▶

Ich war noch nie hier. من تا به حال اینجا نیامدم. ▶

Tanzen Sie? شما می رقصید؟ ▶

Später vielleicht. شاید بعداً. ▶

Ich kann nicht so gut tanzen. من نمی توانم خوب برقصم. ▶

Das ist ganz einfach. خیلی ساده است. ▶

Ich zeige es Ihnen. من به شما نشان می دهم. ▶

Nein, lieber ein anderes Mal. نه، ترجیح می دهم زمانی دیگر برقصم. ▶

Warten Sie auf jemand? منتظر کسی هستید؟ ▶

Ja, auf meinen Freund. بله، منتظر دوستم هستم. ▶

Da hinten kommt er ja! آنجاست، دارد می آید! ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Du musst unseren Koffer packen! تو باید چمدانمان را آماده کنی!

Du darfst nichts vergessen! نباید چیزی را فراموش کنی!

Du brauchst einen großen Koffer! به یک چمدان بزرگ نیاز داری!

Vergiss nicht den Reisepass! پاسپورت را فراموش نکن.

Vergiss nicht das Flugticket! بلیط هواپیما را فراموش نکن.

Vergiss nicht die Reiseschecks! چک های مسافرتی را فراموش نکن.

Nimm Sonnencreme mit. کرم ضدآفتاب را بردار.

Nimm die Sonnenbrille mit. عینک آفتابی را بردار.

Nimm den Sonnenhut mit. کلاه آفتاب گیر را بردار.

Willst du eine Straßenkarte mitnehmen? می خواهی نقشه خیابانها را با خود ببری؟

Willst du einen Reiseführer mitnehmen? می خواهی یک کتابچه راهنمای سفر با خود ببری؟

Willst du einen Regenschirm mitnehmen? می خواهی یک چتر با خود ببری؟

Denk an die Hosen, die Hemden, die Socken. حواست به شلوار ها، پیراهن ها و جوراب ها باشد.

Denk an die Krawatten, die Gürtel, die Sakkos. حواست به کراوات ها، کمربند ها و کت ها باشد.

Denk an die Schlafanzüge, die Nachthemden und die T-Shirts. حواست به لباس خواب ها، پیراهن شب و تی شرت ها باشد.

Du brauchst Schuhe, Sandalen und Stiefel. تو کفش، ساندل و چکمه لازم داری.

Du brauchst Taschentücher, Seife und eine Nagelschere. تو دستمال کاغذی، صابون و ناخن گیر لازم داری.

Du brauchst einen Kamm, eine Zahnbürste und Zahnpasta. تو یک شانه، یک مسواک و خمیردندان لازم داری.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Ist der Strand sauber? ساحل تمیز است؟ ▶

Kann man dort baden? می توان آنجا شنا کرد؟ ▶

Ist es nicht gefährlich, dort zu baden? شنا کردن در آنجا خطرناک نیست؟ ▶

Kann man hier einen Sonnenschirm leihen? می توان در اینجا یک چتر آفتابی کرایه کرد؟ ▶

Kann man hier einen Liegestuhl leihen? می توان اینجا یک صندلی راحتی کرایه کرد؟ ▶

Kann man hier ein Boot leihen? می توان اینجا یک قایق کرایه کرد؟ ▶

Ich würde gern surfen. دوست دارم موج سواری کنم. ▶

Ich würde gern tauchen. دوست دارم غواصی کنم. ▶

Ich würde gern Wasserski fahren. دوست دارم اسکی روی آب بروم. ▶

Kann man ein Surfbrett mieten? می توان یک تخته موج سواری کرایه کرد؟ ▶

Kann man eine Taucherausrüstung mieten? می توان وسایل غواصی کرایه کرد؟ ▶

Kann man Wasserskier mieten? می توان اسکی های آب کرایه کرد؟ ▶

Ich bin erst Anfänger. من مبتدی هستم. ▶

Ich bin mittelgut. من به آن آشنایی دارم. ▶

Ich kenne mich damit schon aus. من در آن نسبتاً خوب هستم. ▶

Wo ist der Skilift? بالابر اسکی کجاست؟ ▶

Hast du denn Skier dabei? تو وسایل اسکی همراه داری؟ ▶

Hast du denn Skischuhe dabei? کفش اسکی همراه داری؟ ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Treibst du Sport? تمرین می کنی؟

Ja, ich muss mich bewegen. بله، من باید تمرین داشته باشم.
Ich gehe in einen Sportverein. من به یک باشگاه ورزشی می روم.

Wir spielen Fußball. ما فوتبال بازی می کنیم.
Manchmal schwimmen wir. گاهی اوقات شنا می کنیم.
Oder wir fahren Rad. یا این که دوچرخه سواری می کنیم.

In unserer Stadt gibt es ein Fußballstadion. در شهر ما یک استادیوم فوتبال وجود دارد.
Es gibt auch ein Schwimmbad mit Sauna. یک استخر با سونا هم وجود دارد.
Und es gibt einen Golfplatz. و یک زمین گلف هم وجود دارد.

Was gibt es im Fernsehen? تلویزیون چه برنامه ای دارد؟
Gerade gibt es ein Fußballspiel. الان یک بازی فوتبال در حال پخش است.
Die deutsche Mannschaft spielt gegen die englische. تیم آلمان در مقابل تیم انگلیس بازی می کند.

Wer gewinnt? چه کسی (کدام تیم) برنده می شود؟
Ich habe keine Ahnung. نمی دانم.
Im Moment steht es unentschieden. فعلاً بازی مساویست.

Der Schiedsrichter kommt aus Belgien. داور از بلژیک است.
Jetzt gibt es einen Elfmeter. الان پنالتی شد.
Tor! Eins zu null! گل! یک بر هیچ.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Heute ist es heiß. امروز هوا خیلی گرم است.

Gehen wir ins Schwimmbad? به استخر برویم؟

Hast du Lust, schwimmen zu gehen? دوست داری برویم شنا؟

Hast du ein Handtuch? حوله داری؟

Hast du eine Badehose? مایو داری؟

Hast du einen Badeanzug? لباس شنا داری؟

Kannst du schwimmen? شنا کردن بلدی؟

Kannst du tauchen? غواصی بلدی؟

Kannst du ins Wasser springen? میتوانی شیرجه بزنی؟

Wo ist die Dusche? دوش کجاست؟

Wo ist die Umkleidekabine? رختکن کجاست؟

Wo ist die Schwimmbrille? عینک شنا کجاست؟

Ist das Wasser tief? آب استخر عمیق است؟

Ist das Wasser sauber? آب تمیز است؟

Ist das Wasser warm? آب گرم است؟

Ich friere. من دارم یخ می زنم.

Das Wasser ist zu kalt. آب زیادی سرد است.

Ich gehe jetzt aus dem Wasser. من دیگر از آب خارج می شوم.



◀ نگران دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Ich will in die Bibliothek. من می خواهم به کتابخانه بروم.

Ich will in die Buchhandlung. من می خواهم به کتاب فروشی بروم.

Ich will zum Kiosk. من می خواهم به کیوسک بروم.

Ich will ein Buch leihen. من می خواهم یک کتاب به امانت بگیرم.

Ich will ein Buch kaufen. من می خواهم یک کتاب بخرم.

Ich will eine Zeitung kaufen. من می خواهم یک روزنامه بخرم.

Ich will in die Bibliothek, um ein Buch zu leihen. من می خواهم به کتابخانه بروم تا یک کتاب به امانت بگیرم.

Ich will in die Buchhandlung, um ein Buch zu kaufen. من می خواهم به کتابفروشی بروم تا یک کتاب بخرم.

Ich will zum Kiosk, um eine Zeitung zu kaufen. من می خواهم به کیوسک بروم تا یک روزنامه بخرم.

Ich will zum Optiker. من می خواهم به عینک فروشی بروم.

Ich will zum Supermarkt. من می خواهم به سوپر مارکت بروم.

Ich will zum Bäcker. من می خواهم به نانواپی بروم.

Ich will eine Brille kaufen. من می خواهم یک عینک بخرم.

Ich will Obst und Gemüse kaufen. من می خواهم میوه و سبزی بخرم.

Ich will Brötchen und Brot kaufen. من می خواهم نان صبحانه و نان بخرم.

Ich will zum Optiker, um eine Brille zu kaufen. من می خواهم به عینک فروشی بروم تا یک عینک بخرم.

Ich will zum Supermarkt, um Obst und Gemüse zu kaufen. من می خواهم به سوپر مارکت بروم تا میوه و سبزی بخرم.

Ich will zum Bäcker, um Brötchen und Brot zu kaufen. من می خواهم به نانواپی بروم تا نان صبحانه و نان بخرم.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Gehen wir in ein Kaufhaus? برویم به یک فروشگاه؟

Ich muss Einkäufe machen. من باید خریدهایم را انجام دهم.

Ich will viel einkaufen. من می خواهم خیلی خرید کنم.

Wo sind die Büroartikel? لوازم اداری کجا هستند؟

Ich brauche Briefumschläge und Briefpapier. من پاکت نامه و کاغذ نامه لازم دارم.

Ich brauche Kulis und Filzstifte. من چند خودکار و ماژیک لازم دارم.

Wo sind die Möbel? میبل ها کجا هستند؟

Ich brauche einen Schrank und eine Kommode. من یک قفسه و یک دراور لازم دارم.

Ich brauche einen Schreibtisch und ein Regal. من یک میز تحریر و یک قفسه ی کتاب لازم دارم.

Wo sind die Spielsachen? اسباب بازیها کجا هستند؟

Ich brauche eine Puppe und einen Teddybär. من یک عروسک و یک خرس پارچه ای لازم دارم.

Ich brauche einen Fußball und ein Schachspiel. من یک توپ فوتبال و یک تخته شطرنج لازم دارم.

Wo ist das Werkzeug? ابزار آلات کجا هستند؟

Ich brauche einen Hammer und eine Zange. من یک چکش و یک انبردست لازم دارم.

Ich brauche einen Bohrer und einen Schraubenzieher. من یک دریل و یک آچار لازم دارم.

Wo ist der Schmuck? جواهرات کجا هستند؟

Ich brauche eine Kette und ein Armband. من یک گردن بند و یک دست بند لازم دارم.

Ich brauche einen Ring und Ohrringe. من یک حلقه و گوشواره لازم دارم.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Wir suchen ein Sportgeschäft. ما در جستجوی یک فروشگاه ورزشی هستیم.

Wir suchen eine Fleischerei. ما در جستجوی یک قصابی هستیم.

Wir suchen eine Apotheke. ما در جستجوی یک داروخانه هستیم.

Wir möchten nämlich einen Fußball kaufen. چون که ما می خواهیم توپ فوتبال بخریم.

Wir möchten nämlich Salami kaufen. چون که ما می خواهیم کالباس بخریم.

Wir möchten nämlich Medikamente kaufen. چون که ما می خواهیم دارو بخریم.

Wir suchen ein Sportgeschäft, um einen Fußball zu kaufen. دنبال فروشگاه ورزشی میگردیم تا توپ فوتبال بخریم.

Wir suchen eine Fleischerei, um Salami zu kaufen. دنبال قصابی می گردیم تا کالباس بخریم.

Wir suchen eine Apotheke, um Medikamente zu kaufen. دنبال داروخانه می گردیم تا دارو بخریم.

Ich suche einen Juwelier. من در جستجوی یک جواهر فروشی هستم.

Ich suche ein Fotogeschäft. من در جستجوی یک مغازه عکاسی هستم.

Ich suche eine Konditorei. من در جستجوی یک قنادی هستم.

Ich habe nämlich vor, einen Ring zu kaufen. من قصد دارم یک حلقه بخرم.

Ich habe nämlich vor, einen Film zu kaufen. من قصد دارم یک حلقه فیلم بخرم.

Ich habe nämlich vor, eine Torte zu kaufen. من قصد دارم یک کیک بخرم.

Ich suche einen Juwelier, um einen Ring zu kaufen. من در جستجوی یک جواهر فروشی هستم تا یک حلقه بخرم.

Ich suche ein Fotogeschäft, um einen Film zu kaufen. من در جستجوی یک عکاسی هستم تا یک حلقه فیلم بخرم.

Ich suche eine Konditorei, um eine Torte zu kaufen. من در جستجوی یک قنادی هستم تا یک کیک بخرم.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Ich möchte ein Geschenk kaufen. من می خواهم یک کادو بخرم.

Aber nichts allzu Teueres. اما نه چندان گران.

Vielleicht eine Handtasche? شاید یک کیف دستی؟

Welche Farbe möchten Sie? چه رنگی دوست دارید؟

Schwarz, braun oder weiß? سیاه، قهوه ای یا سفید؟

Eine große oder eine kleine? بزرگ باشد یا کوچک؟

Darf ich diese mal sehen? می توانم این یکی را ببینم؟

Ist die aus Leder? این از جنس چرم است؟

Oder ist die aus Kunststoff? یا از مواد مصنوعی است؟

Aus Leder natürlich. قطعاً چرمی است.

Das ist eine besonders gute Qualität. از کیفیت بسیار خوبی برخوردار است.

Und die Handtasche ist wirklich sehr preiswert. و قیمت کیف دستی واقعاً مناسب است.

Die gefällt mir. از این یکی خوشم می آید.

Die nehme ich. این یکی را بر می دارم.

Kann ich die eventuell umtauschen? شاید بخواهم آن را عوض کنم، امکان دارد؟

Selbstverständlich. بله، مسلماً.

Wir packen sie als Geschenk ein. آن را به صورت کادو بسته بندی می کنیم.

Dort drüben ist die Kasse. آن روبرو صندوق پرداخت است.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Was machen Sie beruflich?

Mein Mann ist Arzt von Beruf.

Ich arbeite halbtags als Krankenschwester.

Bald bekommen wir Rente.

Aber die Steuern sind hoch.

Und die Krankenversicherung ist hoch.

Was willst du einmal werden?

Ich möchte Ingenieur werden.

Ich will an der Universität studieren.

Ich bin Praktikant.

Ich verdiene nicht viel.

Ich mache ein Praktikum im Ausland.

Das ist mein Chef.

Ich habe nette Kollegen.

Mittags gehen wir immer in die Kantine.

Ich suche eine Stelle.

Ich bin schon ein Jahr arbeitslos.

In diesem Land gibt es zu viele Arbeitslose.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Lust haben تمایل به انجام کاری داشتن ▶
 Wir haben Lust. ما تمایل به انجام کاری را داریم. ▶
 Wir haben keine Lust. ما تمایل به انجام کاری را نداریم. ▶

Angst haben ترس داشتن ▶
 Ich habe Angst. من می ترسم. ▶
 Ich habe keine Angst. من نمی ترسم. ▶

Zeit haben وقت داشتن ▶
 Er hat Zeit. او (مرد) وقت دارد. ▶
 Er hat keine Zeit. او (مرد) وقت ندارد. ▶

Langeweile haben بی حوصله بودن ▶
 Sie hat Langeweile. او (زن) بی حوصله است. ▶
 Sie hat keine Langeweile. او (زن) حوصله دارد. ▶

Hunger haben گرسنه بودن ▶
 Habt ihr Hunger? شما گرسنه هستید؟ ▶
 Habt ihr keinen Hunger? شما گرسنه نیستید؟ ▶

Durst haben تشنه بودن ▶
 Sie haben Durst. آنها تشنه هستند. ▶
 Sie haben keinen Durst. آنها تشنه نیستند. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Ich habe einen Termin beim Arzt. من وقت دکتر دارم.

Ich habe den Termin um zehn Uhr. وقت من ساعت ده می باشد.

Wie ist Ihr Name? اسم شما چیست؟

Bitte nehmen Sie im Wartezimmer Platz. لطفاً در اتاق انتظار تشریف داشته باشید.

Der Arzt kommt gleich. دکتر الان می آید.

Wo sind Sie versichert? بیمه کجا هستید؟

Was kann ich für Sie tun? چکار می توانم برای شما انجام دهم؟

Haben Sie Schmerzen? درد دارید؟

Wo tut es weh? کجای بدن شما درد می کند؟

Ich habe immer Rückenschmerzen. من همیشه کمر درد دارم.

Ich habe oft Kopfschmerzen. من اغلب سردرد دارم.

Ich habe manchmal Bauchschmerzen. من گاهی اوقات دل درد دارم.

Machen Sie bitte den Oberkörper frei! لطفاً بالاتنه خود را آزاد کنید!

Legen Sie sich bitte auf die Liege! لطفاً روی تخت دراز بکشید!

Der Blutdruck ist in Ordnung. فشارخون شما خوب است.

Ich gebe Ihnen eine Spritze. من یک آمپول برایتان می نویسم.

Ich gebe Ihnen Tabletten. من برایتان قرص می نویسم.

Ich gebe Ihnen ein Rezept für die Apotheke. من یک نسخه برای داروخانه به شما می دهم.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Ich zeichne einen Mann. من یک مرد طراحی می کنم. ▶

Zuerst den Kopf. ابتدا سر ▶

Der Mann trägt einen Hut. این مرد یک کلاه بر سر دارد. ▶

Die Haare sieht man nicht. موها را نمی توان دید. ▶

Die Ohren sieht man auch nicht. گوشها را هم نمی توان دید. ▶

Den Rücken sieht man auch nicht. کمر را هم نمی توان دید. ▶

Ich zeichne die Augen und den Mund. من چشم ها و دهان را طراحی می کنم. ▶

Der Mann tanzt und lacht. آن مرد می رقصد و می خندد. ▶

Der Mann hat eine lange Nase. آن مرد یک بینی دراز دارد. ▶

Er trägt einen Stock in den Händen. او یک عصا در دستهایش دارد. ▶

Er trägt auch einen Schal um den Hals. او همچنین یک شال گردن به دورگردنش دارد. ▶

Es ist Winter und es ist kalt. زمستان است و هوا سرد است. ▶

Die Arme sind kräftig. بازو ها قوی هستند. ▶

Die Beine sind auch kräftig. پاها هم قوی هستند. ▶

Der Mann ist aus Schnee. این مرد از برف درست شده است. ▶

Er trägt keine Hose und keinen Mantel. او شلوار یا پالتو نیوسیده است. ▶

Aber der Mann friert nicht. اما او سردش نیست (نمی لرزد). ▶

Er ist ein Schneemann. او یک آدم برفی است. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Wo ist das nächste Postamt?

Ist es weit bis zum nächsten Postamt?

Wo ist der nächste Briefkasten?

Ich brauche ein paar Briefmarken.

Für eine Karte und einen Brief.

Wie teuer ist das Porto nach Amerika?

Wie schwer ist das Paket?

Kann ich es per Luftpost schicken?

Wie lange dauert es, bis es ankommt?

Wo kann ich telefonieren?

Wo ist die nächste Telefonzelle?

Haben Sie Telefonkarten?

Haben Sie ein Telefonbuch?

Kennen Sie die Vorwahl von Österreich?

Einen Augenblick, ich schau mal nach.

Die Leitung ist immer besetzt.

Welche Nummer haben Sie gewählt?

Sie müssen zuerst die Null wählen!



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Ich möchte ein Konto eröffnen. من می خواهم یک حساب باز کنم.

Hier ist mein Pass. این پاسپورت من است.

Und hier ist meine Adresse. و این آدرس من است.

Ich möchte Geld auf mein Konto einzahlen. من می خواهم پول به حسابم واریز کنم.

Ich möchte Geld von meinem Konto abheben. من می خواهم از حسابم پول برداشت کنم.

Ich möchte die Kontoauszüge abholen. من می خواهم موجودی حسابم را بگیرم.

Ich möchte einen Reisescheck einlösen. من می خواهم یک چک مسافرتی را نقد کنم.

Wie hoch sind die Gebühren? مبلغ کارمزد چقدر است؟

Wo muss ich unterschreiben? کجا را باید امضا کنم؟

Ich erwarte eine Überweisung aus Deutschland. من منتظر یک حواله بانکی از آلمان هستم.

Hier ist meine Kontonummer. این شماره حسابم است.

Ist das Geld angekommen? پول رسیده است؟

Ich möchte dieses Geld wechseln. من می خواهم این پول را به ارز دیگری تبدیل نمایم.

Ich brauche US-Dollar. من به دلار آمریکا نیاز دارم.

Bitte geben Sie mir kleine Scheine. لطفاً اسکناس های ریز به من بدهید.

Gibt es hier einen Geldautomat? آیا اینجا دستگاه عابری بانک وجود دارد؟

Wie viel Geld kann man abheben? چه مقدار پول می توان برداشت نمود؟

Welche Kreditkarten kann man benutzen? کدام کارت های اعتباری را می توان استفاده کرد؟



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Der erste Monat ist der Januar. اولین ماه ژانویه است.



Der zweite Monat ist der Februar. دومین ماه فوریه است.



Der dritte Monat ist der März. سومین ماه مارس است.



Der vierte Monat ist der April. چهارمین ماه آوریل است.



Der fünfte Monat ist der Mai. پنجمین ماه می است.



Der sechste Monat ist der Juni. ششمین ماه ژوئن است.



Sechs Monate sind ein halbes Jahr. یک نیمسال محسوب می شوند.



Januar, Februar, März, ژانویه، فوریه، مارس،



April, Mai und Juni. آوریل، می، ژوئن.



Der siebte Monat ist der Juli. ماه هفتم ژوئیه است.



Der achte Monat ist der August. ماه هشتم آگوست است.



Der neunte Monat ist der September. ماه نهم سپتامبر است.



Der zehnte Monat ist der Oktober. ماه دهم اکتبر است.



Der elfte Monat ist der November. ماه یازدهم نوامبر است.



Der zwölfte Monat ist der Dezember. ماه دوازدهم دسامبر است.



Zwölf Monate sind ein Jahr. دوازده ماه، یک سال را تشکیل می دهند.



Juli, August, September, ژوئیه، آگوست، سپتامبر،



Oktober, November und Dezember. اکتبر، نوامبر، دسامبر.





◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

یادگیری lernen ▶

Lernen die Schüler viel? دانش آموزان زیاد درس می خوانند؟ ▶

Nein, sie lernen wenig. نه، آنها زیاد درس نمی خوانند. ▶

سؤال کردن fragen ▶

Fragen Sie oft den Lehrer? شما از معلم زیاد سؤال می کنید؟ ▶

Nein, ich frage ihn nicht oft. نه، من از او (مرد) زیاد سؤال نمی کنم. ▶

جواب دادن antworten ▶

Antworten Sie, bitte. لطفاً جواب دهید. ▶

Ich antworte. من جواب می دهم. ▶

کار کردن arbeiten ▶

Arbeitet er gerade? او (مرد) الآن کار می کند؟ ▶

Ja, er arbeitet gerade. بله، او (مرد) الآن کار می کند. ▶

آمدن kommen ▶

Kommen Sie? شما می آید؟ ▶

Ja, wir kommen gleich. بله، ما الآن می آییم. ▶

زندگی (اقامت) کردن wohnen ▶

Wohnen Sie in Berlin? شما در برلین زندگی میکنید؟ ▶

Ja, ich wohne in Berlin. بله من در برلین زندگی می کنم. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

Ich habe ein Hobby. من یک سرگرمی دارم.

Ich spiele Tennis. من تنیس بازی می کنم.

Wo ist ein Tennisplatz? زمین تنیس کجاست؟

Hast du ein Hobby? آیا تو یک سرگرمی داری؟

Ich spiele Fußball. من فوتبال بازی می کنم.

Wo ist ein Fußballplatz? زمین فوتبال کجاست؟

Mein Arm tut weh. دستم درد می کند.

Mein Fuß und meine Hand tun auch weh. دست و پایم هم درد می کنند.

Wo ist ein Doktor? یک دکتر کجاست؟

Ich habe ein Auto. من یک خودرو دارم.

Ich habe auch ein Motorrad. من یک موتورسیکلت هم دارم.

Wo ist ein Parkplatz? پارکینگ کجاست؟

Ich habe einen Pullover. من یک پلیور دارم.

Ich habe auch eine Jacke und eine Jeans. من یک کاپشن و یک شلوار جین نیز دارم.

Wo ist die Waschmaschine? ماشین لباس شویی کجاست؟

Ich habe einen Teller. من یک بشقاب دارم.

Ich habe ein Messer, eine Gabel und einen Löffel. من یک کارد، یک چنگال و یک قاشق دارم.

Wo sind Salz und Pfeffer? نمک و فلفل کجاست؟



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Ich verstehe das Wort nicht. من کلمه را نمی فهمم.

Ich verstehe den Satz nicht. من جمله را نمی فهمم.

Ich verstehe die Bedeutung nicht. من معنی آن را نمی فهمم.

der Lehrer معلم

Verstehen Sie den Lehrer? می فهمید معلم را؟

Ja, ich verstehe ihn gut. بله، من گفته های او (مرد) را خوب می فهمم.

die Lehrerin خانم معلم

Verstehen Sie die Lehrerin? می فهمید خانم معلم را؟

Ja, ich verstehe sie gut. بله، گفته های او (زن) را می فهمم.

die Leute مردم

Verstehen Sie die Leute? می فهمید حرفهای مردم را؟

Nein, ich verstehe sie nicht so gut. نه، حرفهای آنها را آنچنان خوب نمی فهمم.

die Freundin دوست دختر

Haben Sie eine Freundin? دوست دختر دارید؟

Ja, ich habe eine. بله، دارم.

die Tochter دختر

Haben Sie eine Tochter? شما دختر دارید؟

Nein, ich habe keine. نه، ندارم.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Ist der Ring teuer? این حلقه گران است؟ ▶

Nein, er kostet nur hundert Euro. نه، قیمت این حلقه تنها صد یورو است. ▶

Aber ich habe nur fünfzig. اما من فقط پنجاه یورو دارم. ▶

Bist du schon fertig? تو کارت تمام شد؟ ▶

Nein, noch nicht. نه، هنوز نه. ▶

Aber gleich bin ich fertig. اما چند لحظه ی دیگر تمام می شود. ▶

Möchtest du noch Suppe? باز هم سوپ می خواهی؟ ▶

Nein, ich will keine mehr. نه، دیگر نمی خواهم. ▶

Aber noch ein Eis. اما یک بستنی می خواهم. ▶

Wohnst du schon lange hier? خیلی وقت هست اینجا زندگی می کنی؟ ▶

Nein, erst einen Monat. نه، تازه یک ماه است. ▶

Aber ich kenne schon viele Leute. اما با خیلی از مردم آشنا شدم. ▶

Fährst du morgen nach Hause? فردا می روی (با ماشین) خانه؟ ▶

Nein, erst am Wochenende. نه، آخر هفته می روم. ▶

Aber ich komme schon am Sonntag zurück. اما من یکشنبه بر می گردم. ▶

Ist deine Tochter schon erwachsen? دختر تو بزرگ شده است؟ ▶

Nein, sie ist erst siebzehn. نه، او تازه هفده سالش است. ▶

Aber sie hat schon einen Freund. اما او یک دوست پسر دارد. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

ich – mein من – مال من

Ich finde meinen Schlüssel nicht. من کلیدم را پیدا نمی‌کنم.

Ich finde meine Fahrkarte nicht. من بلیط اتوبوسم را پیدا نمی‌کنم.

du – dein تو – مال تو

Hast du deinen Schlüssel gefunden? کلیدت را پیدا کردی؟

Hast du deine Fahrkarte gefunden? بلیط اتوبوست را پیدا کردی؟

er – sein او (مرد) – مال او

Weißt du, wo sein Schlüssel ist? می‌دانی کلید او کجاست؟

Weißt du, wo seine Fahrkarte ist? می‌دانی بلیط اتوبوسش کجاست؟

sie – ihr او (زن) – مال او

Ihr Geld ist weg. پولش گم شده است.

Und ihre Kreditkarte ist auch weg. کارت اعتباریش هم گم شده است.

wir – unser ما – مال ما

Unser Opa ist krank. پدربزرگمان مریض است.

Unsere Oma ist gesund. مادربزرگمان سالم است.

ihr – euer شما (جمع) – مال شما

Kinder, wo ist euer Vati? بچه‌ها، پدرتان کجاست؟

Kinder, wo ist eure Mutti? بچه‌ها، مادرتان کجاست؟



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

die Brille عینک

Er hat seine Brille vergessen. او (مرد) عینکش را فراموش کرده.

Wo hat er denn seine Brille? عینکش کجاست؟

die Uhr ساعت

Seine Uhr ist kaputt. ساعت او (مرد) خراب است.

Die Uhr hängt an der Wand. ساعت به دیوار آویزان است.

der Pass پاسپورت

Er hat seinen Pass verloren. او (مرد) پاسپورتش را گم کرده.

Wo hat er denn seinen Pass? پاسپورتش کجاست؟

sie - ihr آنها مال آنها

Die Kinder können ihre Eltern nicht finden. بچه ها نمی توانند والدین خود را پیدا کنند.

Aber da kommen ja ihre Eltern! آنجا هستند، دارند می آیند!

Sie - Ihr شما (مخاطب مرد) - مال شما

Wie war Ihre Reise, Herr Müller? آقای مولر، مسافرتتان چگونه بود؟

Wo ist Ihre Frau, Herr Müller? آقای مولر، همسرتان کجا هستید؟

Sie - Ihr شما (مخاطب مؤنث) - مال شما

Wie war Ihre Reise, Frau Schmidt? خانم اسمیت، مسافرتتان چگونه بود؟

Wo ist Ihr Mann, Frau Schmidt? خانم اسمیت، شوهرتان کجا هستید؟



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

groß und klein بزرگ و کوچک

Der Elefant ist groß. فیل بزرگ است.

Die Maus ist klein. موش کوچک است.

dunkel und hell تاریک و روشن

Die Nacht ist dunkel. شب تاریک است.

Der Tag ist hell. روز روشن است.

alt und jung پیر و جوان

Unser Großvater ist sehr alt. پدر بزرگمان خیلی پیر است.

Vor 70 Jahren war er noch jung. 70 سال پیش هنوز جوان بود.

schön und hässlich زیبا و زشت

Der Schmetterling ist schön. پروانه زیباست.

Die Spinne ist hässlich. عنکبوت زشت است.

dick und dünn چاق و لاغر

Eine Frau mit 100 Kilo ist dick. یک زن با 100 کیلو چاق است.

Ein Mann mit 50 Kilo ist dünn. یک مرد با 50 کیلو لاغر است.

teuer und billig گران و ارزان

Das Auto ist teuer. اتوموبیل گران است.

Die Zeitung ist billig. روزنامه ارزان است.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Ich brauche ein Bett. من به یک تخت خواب احتیاج دارم.

Ich will schlafen. من میخوام بخوابم.

Gibt es hier ein Bett? اینجا تخت خواب وجود دارد؟

Ich brauche eine Lampe. من یک لامپ احتیاج دارم.

Ich will lesen. من می خواهم بخوانم (مطالعه کنم).

Gibt es hier eine Lampe? اینجا لامپ وجود دارد؟

Ich brauche ein Telefon. من یک تلفن لازم دارم.

Ich will telefonieren. من می خواهم تلفن کنم.

Gibt es hier ein Telefon? اینجا تلفن وجود دارد؟

Ich brauche eine Kamera. من یک دوربین لازم دارم.

Ich will fotografieren. من می خواهم عکاسی کنم.

Gibt es hier eine Kamera? اینجا دوربین وجود دارد؟

Ich brauche einen Computer. من یک کامپیوتر لازم دارم.

Ich will eine E-Mail schicken. من می خواهم یک ایمیل (یست الکترونیک) بفرستم.

Gibt es hier einen Computer? اینجا یک کامپیوتر وجود دارد؟

Ich brauche einen Kuli. من یک خودکار لازم دارم.

Ich will etwas schreiben. می خواهم چیزی بنویسم.

Gibt es hier ein Blatt Papier und einen Kuli? اینجا یک برگ کاغذ و یک خودکار وجود دارد؟



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Möchten Sie rauchen? می خواهید سیگار بکشید؟ ▶

Möchten Sie tanzen? می خواهید برقصید؟ ▶

Möchten Sie spazieren gehen? می خواهید پیاده روی کنید؟ ▶

Ich möchte rauchen. من می خواهم سیگار بکشم. ▶

Möchtest du eine Zigarette? یک نخ سیگار می خواهی؟ ▶

Er möchte Feuer. او آتش (فتنگ) می خواهد. ▶

Ich möchte etwas trinken. من می خواهم چیزی بنوشم. ▶

Ich möchte etwas essen. من می خواهم چیزی بخورم. ▶

Ich möchte mich etwas ausruhen. من می خواهم کمی استراحت کنم. ▶

Ich möchte Sie etwas fragen. من می خواهم از شما سؤال کنم. ▶

Ich möchte Sie um etwas bitten. من می خواهم از شما تقاضای چیزی کنم. ▶

Ich möchte Sie zu etwas einladen. من می خواهم شما را به چیزی دعوت کنم. ▶

Was möchten Sie bitte? شما چه می خواهید (چه میل دارید)؟ ▶

Möchten Sie einen Kaffee? یک قهوه می خواهید؟ ▶

Oder möchten Sie lieber einen Tee? یا این که ترجیحاً یک چای می خواهید؟ ▶

Wir möchten nach Hause fahren. ما می خواهیم با ماشین به خانه برویم. ▶

Möchtet ihr ein Taxi? شما تاکسی می خواهید؟ ▶

Sie möchten telefonieren. آنها می خواهند تلفن کنند. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Was wollt ihr? شما چه می خواهید؟ ▶

Wollt ihr Fußball spielen? می خواهید فوتبال بازی کنید؟ ▶

Wollt ihr Freunde besuchen? می خواهید به ملاقات دوستان بروید؟ ▶

wollen خواستن

Ich will nicht spät kommen. من نمی خواهم دیر بیایم. ▶

Ich will nicht hingehen. من نمی خواهم آنجا بروم. ▶

Ich will nach Hause gehen. من می خواهم به خانه بروم. ▶

Ich will zu Hause bleiben. من می خواهم در خانه بمانم. ▶

Ich will allein sein. من می خواهم تنها باشم. ▶

Willst du hier bleiben? تو می خواهی اینجا بمانی؟ ▶

Willst du hier essen? تو می خواهی اینجا غذا بخوری؟ ▶

Willst du hier schlafen? تو می خواهی اینجا بخوابی؟ ▶

Wollen Sie morgen abfahren? می خواهید فردا راه بیفتید (یا مسافرت)؟ ▶

Wollen Sie bis morgen bleiben? می خواهید تا فردا بمانید؟ ▶

Wollen Sie die Rechnung erst morgen bezahlen? می خواهید صورت حساب را فردا پرداخت نمایید؟ ▶

Wollt ihr in die Disko? می خواهید به دیسکو بروید؟ ▶

Wollt ihr ins Kino? می خواهید به سینما بروید؟ ▶

Wollt ihr ins Café? می خواهید به کافه بروید؟ ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

müssen بایستن

Ich muss den Brief verschicken. من باید نامه را بفرستم.

Ich muss das Hotel bezahlen. من باید پول هتل را پرداخت نمایم.

Du musst früh aufstehen. تو باید صبح زود از خواب بلند شوی.

Du musst viel arbeiten. تو باید خیلی کار کنی.

Du musst pünktlich sein. تو باید وقت مناسب باشی.

Er muss tanken. او باید بنزین بزند (در باک بنزین بریزد).

Er muss das Auto reparieren. او باید ماشین را تعمیر کند.

Er muss das Auto waschen. او باید ماشین را بشوید.

Sie muss einkaufen. او (مونت) باید خرید کند.

Sie muss die Wohnung putzen. او (مونت) باید خانه را تمیز کند.

Sie muss die Wäsche waschen. او باید لباسها را بشوید.

Wir müssen gleich zur Schule gehen. ما باید چند لحظه ی دیگر به مدرسه برویم.

Wir müssen gleich zur Arbeit gehen. ما باید چند لحظه ی دیگر سر کار برویم.

Wir müssen gleich zum Arzt gehen. ما باید چند لحظه ی دیگر پیش دکتر برویم.

Ihr müsst auf den Bus warten. شما باید منتظر اتوبوس باشید.

Ihr müsst auf den Zug warten. شما باید منتظر قطار باشید.

Ihr müsst auf das Taxi warten. شما باید منتظر تاکسی باشید.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

- Darfst du schon Auto fahren? تو اجازه داری رانندگی کنی؟ ▶
 Darfst du schon Alkohol trinken? تو اجازه داری الکل بنوشی؟ ▶
 Darfst du schon allein ins Ausland fahren? تو اجازه داری تنها به خارج سفر کنی؟ ▶
 dürfen اجازه داشتن ▶
 Dürfen wir hier rauchen? اجازه هست اینجا سیگار بکشیم؟ ▶
 Darf man hier rauchen? اینجا سیگار کشیدن مجاز است؟ ▶
 Darf man mit Kreditkarte bezahlen? می توان با کارت اعتباری پرداخت نمود؟ ▶
 Darf man mit Scheck bezahlen? می توان با چک پرداخت کرد؟ ▶
 Darf man nur bar bezahlen? فقط نقد پرداختن مجاز است؟ ▶
 Darf ich mal eben telefonieren? می توانم لحظه ای تلفن بزنم؟ ▶
 Darf ich mal eben etwas fragen? می توانم لحظه ای یک سوال کنم؟ ▶
 Darf ich mal eben etwas sagen? می توانم لحظه ای چیزی بگویم؟ ▶
 Er darf nicht im Park schlafen. (مرد) اجازه ندارد در پارک بخوابد. ▶
 Er darf nicht im Auto schlafen. (مرد) اجازه ندارد در خودرو بخوابد. ▶
 Er darf nicht im Bahnhof schlafen. (مرد) اجازه ندارد در ایستگاه قطار بخوابد. ▶
 Dürfen wir Platz nehmen? اجازه داریم بنشینیم؟ ▶
 Dürfen wir die Speisekarte haben? اجازه داریم لیست غذا را داشته باشیم؟ ▶
 Dürfen wir getrennt zahlen? اجازه داریم جدا پرداخت نمائیم؟ ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Können Sie mir die Haare schneiden? امکان دارد موهای مرا کوتاه کنید؟

Nicht zu kurz, bitte. لطفاً خیلی کوتاه نشود.

Etwas kürzer, bitte. لطفاً کمی کوتاهتر.

Können Sie die Bilder entwickeln? ممکن است این عکسها را ظاهر کنید؟

Die Fotos sind auf der CD. عکسها روی سی دی هستند.

Die Fotos sind in der Kamera. عکس ها روی دوربین هستند.

Können Sie die Uhr reparieren? می توانید این ساعت را تعمیر کنید؟

Das Glas ist kaputt. شیشه شکسته است.

Die Batterie ist leer. باتری خالی است.

Können Sie das Hemd bügeln? ممکن است این پیراهن را اتو کنید؟

Können Sie die Hose reinigen? ممکن است این شلوار را تمیز کنید؟

Können Sie die Schuhe reparieren? ممکن است این کفش را تعمیر کنید؟

Können Sie mir Feuer geben? ممکن است به من یک فندک (آتش) بدهید؟

Haben Sie Streichhölzer oder ein Feuerzeug? شما کبریت یا فندک دارید؟

Haben Sie einen Aschenbecher? شما زیرسیگاری دارید؟

Rauchen Sie Zigarren? شما سیگار برگ می کشید؟

Rauchen Sie Zigaretten? شما سیگار می کشید؟

Rauchen Sie Pfeife? شما پیپ می کشید؟



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Warum kommen Sie nicht? چرا شما نمی آید؟

Das Wetter ist so schlecht. هوا بسیار بد است.

Ich komme nicht, weil das Wetter so schlecht ist. من نمی آیم زیرا هوا بسیار بد است.

Warum kommt er nicht? چرا او (مرد) نمی آید؟

Er ist nicht eingeladen. او (مرد) دعوت نشده است.

Er kommt nicht, weil er nicht eingeladen ist. او نمی آید زیرا دعوت نشده است.

Warum kommst du nicht? چرا تو نمی آیی؟

Ich habe keine Zeit. من وقت ندارم.

Ich komme nicht, weil ich keine Zeit habe. من نمی آیم زیرا وقت ندارم.

Warum bleibst du nicht? چرا تو نمی مانی؟

Ich muss noch arbeiten. من هنوز کار دارم.

Ich bleibe nicht, weil ich noch arbeiten muss. من نمی مانم، چون هنوز کار دارم.

Warum gehen Sie schon? چرا حالا می روید؟

Ich bin müde. من خسته هستم.

Ich gehe, weil ich müde bin. من می روم زیرا خسته هستم.

Warum fahren Sie schon? چرا حالا (با ماشین) می روید؟

Es ist schon spät. دیر است.

Ich fahre, weil es schon spät ist. من می روم زیرا دیر است.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

Warum bist du nicht gekommen? چرا تو نیامدی؟

Ich war krank. من مریض بودم.

Ich bin nicht gekommen, weil ich krank war. من نیامدم زیرا مریض بودم.

Warum ist sie nicht gekommen? چرا او (زن) نیامده؟

Sie war müde. او (زن) خسته بود.

Sie ist nicht gekommen, weil sie müde war. او (زن) نیامد، چون خسته بود.

Warum ist er nicht gekommen? چرا او (مرد) نیامده؟

Er hatte keine Lust. او (مرد) حوصله نداشت.

Er ist nicht gekommen, weil er keine Lust hatte. او (مرد) نیامد زیرا حوصله نداشت.

Warum seid ihr nicht gekommen? چرا شما نیامدید؟

Unser Auto ist kaputt. خودروی ما خراب است.

Wir sind nicht gekommen, weil unser Auto kaputt ist. ما نیامدیم چون خودرویمان خراب است.

Warum sind die Leute nicht gekommen? چرا مردم نیامدند؟

Sie haben den Zug verpasst. آنها به قطار نرسیدند.

Sie sind nicht gekommen, weil sie den Zug verpasst haben. آنها نیامدند، زیرا به قطار نرسیدند.

Warum bist du nicht gekommen? چرا تو نیامدی؟

Ich durfte nicht. اجازه نداشتم.

Ich bin nicht gekommen, weil ich nicht durfte. من نیامدم زیرا اجازه نداشتم.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Warum essen Sie die Torte nicht? چرا کیک را نمی خورید؟

Ich muss abnehmen. من باید وزن کم کنم.

Ich esse sie nicht, weil ich abnehmen muss. من نمی خورم زیرا باید وزن کم کنم.

Warum trinken Sie das Bier nicht? چرا آبجو را نمی نوشید؟

Ich muss noch fahren. چون باید رانندگی کنم.

Ich trinke es nicht, weil ich noch fahren muss. من آن را نمی نوشم زیرا باید رانندگی کنم.

Warum trinkst du den Kaffee nicht? چرا تو قهوه را نمی نوشی؟

Er ist kalt. سرد شده است.

Ich trinke ihn nicht, weil er kalt ist. من قهوه را نمی نوشم زیرا سرد شده است.

Warum trinkst du den Tee nicht? چرا تو چای را نمی نوشی؟

Ich habe keinen Zucker. من شکر ندارم.

Ich trinke ihn nicht, weil ich keinen Zucker habe. من چای را نمی نوشم زیرا شکر ندارم.

Warum essen Sie die Suppe nicht? چرا شما سوپ را نمی خورید؟

Ich habe sie nicht bestellt. من سوپ سفارش نداده ام.

Ich esse sie nicht, weil ich sie nicht bestellt habe. من سوپ نمی خورم زیرا من آن را سفارش نداده ام.

Warum essen Sie das Fleisch nicht? چرا شما گوشت را نمی خورید؟

Ich bin Vegetarier. من گیاه خوار هستم.

Ich esse es nicht, weil ich Vegetarier bin. من گوشت نمی خورم زیرا گیاه خوار هستم.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

- eine alte Frau یک خانم پیر ▶
- eine dicke Frau یک خانم چاق ▶
- eine neugierige Frau یک خانم کنجکاو (فضول) ▶
- ein neuer Wagen یک خودروی نو ▶
- ein schneller Wagen یک خودروی سریع ▶
- ein bequemer Wagen یک خودروی راحت ▶
- ein blaues Kleid یک لباس آبی ▶
- ein rotes Kleid یک لباس قرمز ▶
- ein grünes Kleid یک لباس سبز ▶
- eine schwarze Tasche یک کیف سیاه ▶
- eine braune Tasche یک کیف قهوه ای ▶
- eine weiße Tasche یک کیف سفید ▶
- nette Leute مردم مهربان ▶
- höfliche Leute مردم با ادب ▶
- interessante Leute مردم جالب ▶
- liebe Kinder بچه های نازنین ▶
- freche Kinder بچه های بی ادب ▶
- brave Kinder بچه های خوب و مؤدب ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Ich habe ein blaues Kleid an. من یک لباس آبی به تن دارم.

Ich habe ein rotes Kleid an. من یک لباس قرمز به تن دارم.

Ich habe ein grünes Kleid an. من یک لباس سبز به تن دارم.

Ich kaufe eine schwarze Tasche. من یک کیف سیاه می خرم.

Ich kaufe eine braune Tasche. من یک کیف قهوه ای می خرم.

Ich kaufe eine weiße Tasche. من یک کیف سفید می خرم.

Ich brauche einen neuen Wagen. من یک خودروی جدید لازم دارم.

Ich brauche einen schnellen Wagen. من یک خودروی سریع لازم دارم.

Ich brauche einen bequemen Wagen. من یک خودروی راحت لازم دارم.

Da oben wohnt eine alte Frau. آن بالا یک خانم پیر زندگی می کند.

Da oben wohnt eine dicke Frau. آن بالا یک خانم چاق زندگی می کند.

Da unten wohnt eine neugierige Frau. آن پایین یک خانم کنجکاو زندگی می کند.

Unsere Gäste waren nette Leute. میهمانانم آدم های مهربانی بودند.

Unsere Gäste waren höfliche Leute. میهمانانم آدم های مودبی بودند.

Unsere Gäste waren interessante Leute. میهمانانم آدم های جالبی بودند.

Ich habe liebe Kinder. من بچه های نازنینی دارم.

Aber die Nachbarn haben freche Kinder. اما همسایه ها بچه های بی ادبی دارند.

Sind Ihre Kinder brav? بچه های شما با ادب هستند؟



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Sie hat einen Hund. (زن) یک سگ دارد.

Der Hund ist groß. سگ بزرگ است.

Sie hat einen großen Hund. (زن) یک سگ بزرگ دارد.

Sie hat ein Haus. او یک خانه دارد.

Das Haus ist klein. خانه کوچک است.

Sie hat ein kleines Haus. (زن) یک خانه ی کوچک دارد.

Er wohnt in einem Hotel. (مرد) در یک هتل زندگی می کند.

Das Hotel ist billig. هتل ارزان است.

Er wohnt in einem billigen Hotel. او در یک هتل ارزان زندگی می کند.

Er hat ein Auto. او یک خودرو دارد.

Das Auto ist teuer. خودرو گران است.

Er hat ein teures Auto. او یک خودروی گران دارد.

Er liest einen Roman. (مرد) یک رمان می خواند.

Der Roman ist langweilig. رمان خسته کننده است.

Er liest einen langweiligen Roman. (مرد) یک رمان خسته کننده می خواند.

Sie sieht einen Film. (زن) یک فیلم تماشا می کند.

Der Film ist spannend. فیلم مهیج است.

Sie sieht einen spannenden Film. (زن) یک فیلم مهیج تماشا می کند.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

schreiben نوشتن

Er schrieb einen Brief. او (مرد) یک نامه نوشت.

Und sie schrieb eine Karte. و او (زن) یک کارت پستال نوشت.

lesen خواندن

Er las eine Illustrierte. او (مرد) یک مجله خواند.

Und sie las ein Buch. و او (زن) یک کتاب خواند.

nehmen گرفتن

Er nahm eine Zigarette. او (مرد) یک سیگار برداشت.

Sie nahm ein Stück Schokolade. او (زن) یک تکه شکلات برداشت.

Er war untreu, aber sie war treu. او (مرد) بی وفا بود، اما او (زن) با وفا بود.

Er war faul, aber sie war fleißig. او (مرد) تنبل بود، اما او (زن) کاری بود.

Er war arm, aber sie war reich. او (مرد) فقیر بود، اما او (زن) ثروتمند بود.

Er hatte kein Geld, sondern Schulden. او (مرد) پول نداشت، بلکه بدهکار بود.

Er hatte kein Glück, sondern Pech. او (مرد) شانس نداشت، بلکه بد شانس بود.

Er hatte keinen Erfolg, sondern Misserfolg. او (مرد) موفقیتی نداشت، بلکه ناموفق بود.

Er war nicht zufrieden, sondern unzufrieden. او (مرد) راضی نبود، بلکه ناراضی بود.

Er war nicht glücklich, sondern unglücklich. او (مرد) خوشبخت نبود، بلکه بدبخت بود.

Er war nicht sympathisch, sondern unsympathisch. او (مرد) خوش برخورد نبود، بلکه بدبرخورد بود.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

Musstest du einen Krankenwagen rufen? تو مجبور بودی یک آمبولانس صدا کنی؟ ▶

Musstest du den Arzt rufen? تو مجبور بودی پزشک را خبر کنی؟ ▶

Musstest du die Polizei rufen? تو مجبور بودی پلیس را خبر کنی؟ ▶

Haben Sie die Telefonnummer? Gerade hatte ich sie noch. شما شماره تلفن را دارید؟ تا الان من شماره را داشتم. ▶

Haben Sie die Adresse? Gerade hatte ich sie noch. شما آدرس را دارید؟ تا الان من آن را داشتم. ▶

Haben Sie den Stadtplan? Gerade hatte ich ihn noch. شما نقشه شهر را دارید؟ تا الان من آن را داشتم. ▶

Kam er pünktlich? Er konnte nicht pünktlich kommen. او (مرد) سر وقت آمد؟ او (مرد) نتوانست سر وقت بیاید. ▶

Fand er den Weg? Er konnte den Weg nicht finden. او (مرد) راه را پیدا کرد؟ او (مرد) نتوانست راه را پیدا کند. ▶

Verstand er dich? Er konnte mich nicht verstehen. او (مرد) متوجه صحبت تو شد؟ او (مرد) نتوانست صحبت مرا بفهمد. ▶

Warum konntest du nicht pünktlich kommen? چرا تو نتوانستی به موقع بیایی؟ ▶

Warum konntest du den Weg nicht finden? چرا تو نتوانستی راه را پیدا کنی؟ ▶

Warum konntest du ihn nicht verstehen? چرا تو نتوانستی صحبت هایش را بفهمی؟ ▶

Ich konnte nicht pünktlich kommen, weil kein Bus fuhr. من نتوانستم به موقع بیایم زیرا هیچ اتوبوسی حرکت نمی کرد. ▶

Ich konnte den Weg nicht finden, weil ich keinen Stadtplan hatte. من نتوانستم راه را پیدا کنم زیرا نقشه شهر را نداشتم. ▶

Ich konnte ihn nicht verstehen, weil die Musik so laut war. من حرفش را نفهمیدم زیرا صدای آهنگ بلند بود. ▶

Ich musste ein Taxi nehmen. من مجبور بودم یک تاکسی سوار شوم. ▶

Ich musste einen Stadtplan kaufen. من مجبور بودم یک نقشه شهر بخرم. ▶

Ich musste das Radio ausschalten. من مجبور بودم رادیو را خاموش کنم. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

telefonieren تلفن زدن ▶

Ich habe telefoniert. من تلفن زده ام. ▶

Ich habe die ganze Zeit telefoniert. من تمام مدت با تلفن صحبت می کرده ام. ▶

fragen سؤال کردن ▶

Ich habe gefragt. من سؤال کرده ام. ▶

Ich habe immer gefragt. من همیشه سوال می کرده ام. ▶

erzählen تعریف کردن ▶

Ich habe erzählt. من تعریف کرده ام. ▶

Ich habe die ganze Geschichte erzählt. من تمام داستان را تعریف کرده ام. ▶

lernen یاد گرفتن ▶

Ich habe gelernt. من یاد گرفته ام. ▶

Ich habe den ganzen Abend gelernt. من تمام شب مشغول یادگیری بوده ام. ▶

arbeiten کار کردن ▶

Ich habe gearbeitet. من کار کرده ام. ▶

Ich habe den ganzen Tag gearbeitet. من تمام روز را کار کرده ام. ▶

essen غذا خوردن ▶

Ich habe gegessen. من غذا خورده ام. ▶

Ich habe das ganze Essen gegessen. من تمام غذا را خورده ام. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

خواندن lesen

Ich habe gelesen. من خوانده ام.

Ich habe den ganzen Roman gelesen. من تمام رمان را خوانده ام.

فهمیدن verstehen

Ich habe verstanden. من فهمیده ام.

Ich habe den ganzen Text verstanden. من تمام متن را فهمیده ام.

پاسخ دادن antworten

Ich habe geantwortet. من پاسخ داده ام.

Ich habe auf alle Fragen geantwortet. من به تمامی سوالات پاسخ داده ام.

Ich weiß das – ich habe das gewusst. من آن را می دانم – من آن را می دانستم.

Ich schreibe das – ich habe das geschrieben. من آن را می نویسم – من آن را نوشته ام.

Ich höre das – ich habe das gehört. من آن را می شنوم – من آن را شنیده ام.

Ich hole das – ich habe das geholt. من آن را می گیرم – من آن را گرفته ام.

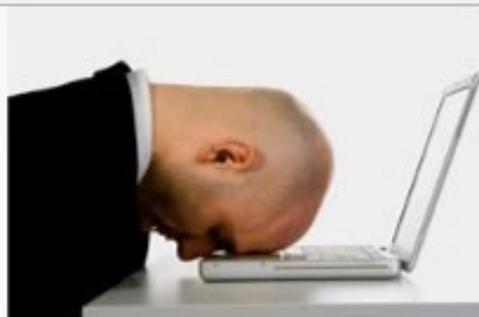
Ich bringe das – ich habe das gebracht. من آن را می آورم – من آن را آورده ام.

Ich kaufe das – ich habe das gekauft. من آن را می خرم – من آن را خریده ام.

Ich erwarte das – ich habe das erwartet. من منتظر آن هستم – من منتظر آن بوده ام.

Ich erkläre das – ich habe das erklärt. من آن را توضیح می دهم – من آن را توضیح داده ام.

Ich kenne das – ich habe das gekannt. من آن را می شناسم – من آن را می شناختم.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Wie viel haben Sie getrunken? شما چقدر نوشیده اید؟ ▶

Wie viel haben Sie gearbeitet? شما چقدر کار کرده اید؟ ▶

Wie viel haben Sie geschrieben? شما چقدر نوشته اید؟ ▶

Wie haben Sie geschlafen? شما چطور خوابیدید؟ ▶

Wie haben Sie die Prüfung bestanden? شما چگونه در امتحان قبول شده اید؟ ▶

Wie haben Sie den Weg gefunden? شما چگونه راه را پیدا کرده اید؟ ▶

Mit wem haben Sie gesprochen? شما با چه کسی صحبت کرده اید؟ ▶

Mit wem haben Sie sich verabredet? شما با چه کسی قرار ملاقات گذاشته اید؟ ▶

Mit wem haben Sie Geburtstag gefeiert? شما با کی جشن تولد گرفته اید؟ ▶

Wo sind Sie gewesen? شما کجا بوده اید؟ ▶

Wo haben Sie gewohnt? شما کجا زندگی می کردید؟ ▶

Wo haben Sie gearbeitet? شما کجا کار می کردید؟ ▶

Was haben Sie empfohlen? شما چه توصیه ای کرده اید؟ ▶

Was haben Sie gegessen? شما چی خورده اید؟ ▶

Was haben Sie erfahren? شما چه اطلاعاتی کسب کرده اید؟ ▶

Wie schnell sind Sie gefahren? شما با چه سرعتی رانندگی می کردید؟ ▶

Wie lange sind Sie geflogen? شما چه مدت پرواز کرده اید؟ ▶

Wie hoch sind Sie gesprungen? شما تا چه ارتفاعی پریده اید؟ ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

- Welche Krawatte hast du getragen? تو کدام کراوات را زده بودی؟ ▶
- Welches Auto hast du gekauft? تو کدام خودرو را خریده بودی؟ ▶
- Welche Zeitung hast du abonniert? تو اشتراک کدام روزنامه را گرفته بودی؟ ▶
- Wen haben Sie gesehen? شما چه کسی را دیده اید؟ ▶
- Wen haben Sie getroffen? شما با چه کسی ملاقات کرده اید؟ ▶
- Wen haben Sie erkannt? شما چه کسی را شناخته اید؟ ▶
- Wann sind Sie aufgestanden? شما چه موقع از خواب بلند شده اید؟ ▶
- Wann haben Sie begonnen? شما چه موقع شروع کرده اید؟ ▶
- Wann haben Sie aufgehört? شما چه موقع کار را متوقف کرده اید؟ ▶
- Warum sind Sie aufgewacht? شما چرا بیدار شده اید؟ ▶
- Warum sind Sie Lehrer geworden? چرا شما معلم شده اید؟ ▶
- Warum haben Sie ein Taxi genommen? چرا شما سوار تاکسی شده اید؟ ▶
- Woher sind Sie gekommen? شما از کجا آمده اید؟ ▶
- Wohin sind Sie gegangen? شما به کجا رفته اید؟ ▶
- Wo sind Sie gewesen? شما کجا بوده اید؟ ▶
- Wem hast du geholfen? تو به چه کسی کمک کرده ای؟ ▶
- Wem hast du geschrieben? تو به چه کسی نامه نوشته ای؟ ▶
- Wem hast du geantwortet? تو به چه کسی جواب داده ای؟ ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Wir mussten die Blumen gießen. ما باید به گلها آب می دادیم.

Wir mussten die Wohnung aufräumen. ما باید آپارتمان را مرتب می کردیم.

Wir mussten das Geschirr spülen. ما باید ظروف غذا را می شستیم.

Musstet ihr die Rechnung bezahlen? آیا شما مجبور به پرداخت صورت حساب بودید؟

Musstet ihr Eintritt bezahlen? آیا شما مجبور به پرداخت ورودی بودید؟

Musstet ihr eine Strafe bezahlen? آیا شما مجبور به پرداخت جریمه بودید؟

Wer musste sich verabschieden? چه کسی باید خداحافظی می کرد؟

Wer musste früh nach Hause gehen? چه کسی باید زود به خانه می رفت؟

Wer musste den Zug nehmen? چه کسی باید با قطار می رفت؟

Wir wollten nicht lange bleiben. ما نمی خواستیم مدت زیادی بمانیم.

Wir wollten nichts trinken. ما نمی خواستیم چیزی بنوشیم.

Wir wollten nicht stören. ما نمی خواستیم مزاحم بشویم.

Ich wollte eben telefonieren. من می خواستم الان تلفن کنم.

Ich wollte ein Taxi bestellen. من می خواستم تاکسی سفارش بدهم.

Ich wollte nämlich nach Haus fahren. چون می خواستم به خانه بروم.

Ich dachte, du wolltest deine Frau anrufen. من فکر کردم تو می خواستی به همسرت تلفن کنی.

Ich dachte, du wolltest die Auskunft anrufen. من فکر کردم تو می خواستی به اطلاعات تلفن کنی.

Ich dachte, du wolltest eine Pizza bestellen. من فکر کردم تو می خواستی یک پیتزا سفارش دهی.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Mein Sohn wollte nicht mit der Puppe spielen. بصرم نمی خواست با عروسک بازی کند.

Meine Tochter wollte nicht Fußball spielen. دخترم نمی خواست فوتبال بازی کند.

Meine Frau wollte nicht mit mir Schach spielen. همسرم نمی خواست با من شطرنج بازی کند.

Meine Kinder wollten keinen Spaziergang machen. فرزنداتم نمی خواستند به پیاده روی بروند.

Sie wollten nicht das Zimmer aufräumen. آنها نمی خواستند اتاق را مرتب کنند.

Sie wollten nicht ins Bett gehen. آنها نمی خواستند به رختخواب بروند.

Er durfte kein Eis essen. او (مرد) اجازه نداشت بستنی بخورد.

Er durfte keine Schokolade essen. او (مرد) اجازه نداشت شکلات بخورد.

Er durfte keine Bonbons essen. او (مرد) اجازه نداشت آب نبات بخورد.

Ich durfte mir etwas wünschen. من اجازه داشتم برای خودم آرزویی بکنم.

Ich durfte mir ein Kleid kaufen. من اجازه داشتم برای خودم لباس بخرم.

Ich durfte mir eine Praline nehmen. من اجازه داشتم یک شکلات مغزدار بردارم.

Durfst du im Flugzeug rauchen? اجازه داشتی در هواپیما سیگار بکشی؟

Durfst du im Krankenhaus Bier trinken? اجازه داشتی در بیمارستان آبجو بنوشی؟

Durfst du den Hund ins Hotel mitnehmen? اجازه داشتی سگ را با خودت به هتل ببری؟

In den Ferien durften die Kinder lange draußen bleiben. بچه ها در تعطیلات اجازه داشتند مدت زیادی بیرون باشند.

Sie durften lange im Hof spielen. آنها اجازه داشتند مدت زیادی در حیاط بازی کنند.

Sie durften lange aufbleiben. آنها اجازه داشتند مدت زیادی (تا دیروقت) بیدار باشند.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Du bist so faul – sei doch nicht so faul! تو خیلی تنبلی – اینقدر تنبل نباش!

Du schläfst so lang – schlaf doch nicht so lang! تو خیلی می خوابی – اینقدر نخواب!

Du kommst so spät – komm doch nicht so spät! تو دیر می آیی – اینقدر دیر نیا!

Du lachst so laut – lach doch nicht so laut! تو با صدای بلند می خندی – اینقدر بلند نخند!

Du sprichst so leise – sprich doch nicht so leise! تو آهسته حرف میزنی – اینقدر آهسته حرف نزن!

Du trinkst zu viel – trink doch nicht so viel! تو خیلی (مشروب) می نوشی – اینقدر ننوش!

Du rauchst zu viel – Rauch doch nicht so viel! تو خیلی سیگار می کشی – اینقدر سیگار نکش!

Du arbeitest zu viel – arbeite doch nicht so viel! تو خیلی کار می کنی – اینقدر کار نکن!

Du fährst so schnell – fahr doch nicht so schnell! تو خیلی سریع رانندگی می کنی – اینقدر سریع نرو!

Stehen Sie auf, Herr Müller! آقای مولر، بلند شوید!

Setzen Sie sich, Herr Müller! آقای مولر، بنشینید!

Bleiben Sie sitzen, Herr Müller! آقای مولر، در جای خود بنشینید!

Haben Sie Geduld! صبر داشته باشید!

Nehmen Sie sich Zeit! آرام باشید (عجله نکنید)!

Warten Sie einen Moment! یک لحظه صبر کنید!

Seien Sie vorsichtig! مواظب باشید!

Seien Sie pünktlich! وقت شناس باشید!

Seien Sie nicht dumm! احمق نباشید!



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Rasier dich! صورتت را بتراش (ریست را بزن)!



Wasch dich! خودت را بشوی (تمیز کن)!



Kämm dich! موهایت را شانه بزن!



Ruf an! Rufen Sie an! شما تلفن کنید!



Fang an! Fangen Sie an! شما شروع کنید!



Hör auf! Hören Sie auf! شما بس کنید!



Lass das! Lassen Sie das! شما رها کنید!



Sag das! Sagen Sie das! شما بگویید!



Kauf das! Kaufen Sie das! شما بخریدش!



Sei nie unehrlich! هرگز دروغگو نباش!



Sei nie frech! هرگز گستاخ نباش!



Sei nie unhöflich! هیچ وقت بی ادب نباش!



Sei immer ehrlich! همیشه راستگو باش!



Sei immer nett! همیشه مهربان باش!



Sei immer höflich! همیشه مؤدب باش!



Kommen Sie gut nach Haus! به سلامت به خانه برسید!



Passen Sie gut auf sich auf! خوب مواظب خودتان باشید!



Besuchen Sie uns bald wieder! به زودی باز به ملاقات ما بیایید!





◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Das Wetter wird vielleicht morgen besser. فردا احتمالاً هوا بهتر می شود.

Woher wissen Sie das? از کجا این موضوع را می دانید؟

Ich hoffe, dass es besser wird. امیدوارم که هوا بهتر بشود.

Er kommt ganz bestimmt. او (مرد) یقیناً می آید.

Ist das sicher? مطمئن هستی؟

Ich weiß, dass er kommt. من می دانم که او (مرد) می آید.

Er ruft bestimmt an. او (مرد) مطمئناً تلفن می کند.

Wirklich? واقعاً؟

Ich glaube, dass er anruft. من فکر می کنم که او (مرد) تلفن می کند.

Der Wein ist sicher alt. این شراب یقیناً قدیمی است.

Wissen Sie das genau? این را شما دقیقاً می دانید؟

Ich vermute, dass er alt ist. من احتمال می دهم که شراب قدیمی است.

Unser Chef sieht gut aus. رئیس ما خوش تیپ است.

Finden Sie? نظر شما این است؟

Ich finde, dass er sogar sehr gut aussieht. به نظر من که او بسیار خوش تیپ است.

Der Chef hat bestimmt eine Freundin. رئیس حتماً یک دوست دختر دارد.

Glauben Sie wirklich? واقعاً چنین فکری می کنید؟

Es ist gut möglich, dass er eine Freundin hat. خیلی احتمال دارد که او یک دوست دختر داشته باشد.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Es ärgert mich, dass du schnarchst. باعث آزار من است که تو خرویف می کنی.

Es ärgert mich, dass du so viel Bier trinkst. باعث آزار من است که تو اینقدر آبجو می نوشی.

Es ärgert mich, dass du so spät kommst. باعث آزار من است که تو اینقدر دیر می آیی.

Ich glaube, dass er einen Arzt braucht. من فکر می کنم که او به یک پزشک احتیاج دارد.

Ich glaube, dass er krank ist. من فکر می کنم که او مریض است.

Ich glaube, dass er jetzt schläft. من فکر می کنم که او الان خوابیده است.

Wir hoffen, dass er unsere Tochter heiratet. ما امیدواریم که او (مرد) با دختر ما ازدواج کند.

Wir hoffen, dass er viel Geld hat. ما امیدواریم که او (مرد) پول زیادی داشته باشد.

Wir hoffen, dass er Millionär ist. ما امیدواریم که او (مرد) میلیونر باشد.

Ich habe gehört, dass deine Frau einen Unfall hatte. من شنیده ام که همسرت تصادف کرده است.

Ich habe gehört, dass sie im Krankenhaus liegt. من شنیده ام که او در بیمارستان بستری است.

Ich habe gehört, dass dein Auto total kaputt ist. من شنیده ام که خودروی تو بطور کامل خراب شده است.

Es freut mich, dass Sie gekommen sind. خوشحالم که شما آمده اید.

Es freut mich, dass Sie Interesse haben. خوشحالم که شما علاقه مند هستید.

Es freut mich, dass Sie das Haus kaufen wollen. خوشحالم که شما می خواهید خانه را بخرید.

Ich fürchte, dass der letzte Bus schon weg ist. من نگران هستم که آخرین اتوبوس رفته باشد.

Ich fürchte, dass wir ein Taxi nehmen müssen. من نگران هستم که مجبور شویم با تاکسی برویم.

Ich fürchte, dass ich kein Geld bei mir habe. من نگران هستم که پول همراه نداشته باشم.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Ich weiß nicht, ob er mich liebt. من نمی دانم آیا او (مرد) مرا دوست دارد. ▶

Ich weiß nicht, ob er zurückkommt. من نمی دانم آیا او (مرد) بر می گردد. ▶

Ich weiß nicht, ob er mich anruft. من نمی دانم آیا او (مرد) به من تلفن می کند. ▶

Ob er mich wohl liebt? آیا او (مرد) مرا دوست دارد؟ ▶

Ob er wohl zurückkommt? آیا او (مرد) برمی گردد؟ ▶

Ob er mich wohl anruft? آیا او (مرد) به من زنگ خواهد زد؟ ▶

Ich frage mich, ob er an mich denkt. من از خودم می پرسم آیا او (مرد) به من فکر می کند. ▶

Ich frage mich, ob er eine andere hat. من از خودم می پرسم آیا او (مرد) کس دیگری را دارد. ▶

Ich frage mich, ob er lügt. من از خودم می پرسم آیا او (مرد) دروغ می گوید. ▶

Ob er wohl an mich denkt? آیا او (مرد) به من فکر می کند؟ ▶

Ob er wohl eine andere hat? آیا او (مرد) فرد (زن) دیگری را دارد؟ ▶

Ob er wohl die Wahrheit sagt? آیا او (مرد) واقعیت را می گوید؟ ▶

Ich zweifele, ob er mich wirklich mag. من تردید دارم که آیا او (مرد) مرا واقعاً دوست دارد. ▶

Ich zweifele, ob er mir schreibt. من تردید دارم که آیا او (مرد) برایم نامه بنویسد. ▶

Ich zweifele, ob er mich heiratet. من تردید دارم که آیا او (مرد) با من ازدواج می کند. ▶

Ob er mich wohl wirklich mag? آیا او (مرد) واقعاً از من خوشش می آید؟ ▶

Ob er mir wohl schreibt? آیا او (مرد) برایم نامه می نویسد؟ ▶

Ob er mich wohl heiratet? آیا او (مرد) با من ازدواج می کند؟ ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Warte, bis der Regen aufhört. صبر کن تا باران متوقف شود.

Warte, bis ich fertig bin. صبر کن تا من کارم تمام شود.

Warte, bis er zurückkommt. صبر کن تا او برگردد.

Ich warte, bis meine Haare trocken sind. من صبر می کنم تا موهایم خشک شوند.

Ich warte, bis der Film zu Ende ist. من صبر می کنم تا فیلم تمام شود.

Ich warte, bis die Ampel grün ist. من صبر می کنم تا چراغ راهنما سبز شود.

Wann fährst du in Urlaub? تو کی به مسافرت می روی؟

Noch vor den Sommerferien? پیش از تعطیلات تابستانی؟

Ja, noch bevor die Sommerferien beginnen. بله، پیش از آنکه تعطیلات تابستانی شروع شود.

Reparier das Dach, bevor der Winter beginnt. پیش از آنکه زمستان شروع شود، سقف را تعمیر کن.

Wasch deine Hände, bevor du dich an den Tisch setzt. پیش از آنکه سر میز بنشینی، دست هایت را بشوی.

Schließ das Fenster, bevor du rausgehst. پیش از آنکه خارج شوی، پنجره را ببند.

Wann kommst du nach Hause? کی به خانه می آیی؟

Nach dem Unterricht? بعد از کلاس درس؟

Ja, nachdem der Unterricht aus ist. بله، بعد از این که کلاس درس تمام شد.

Nachdem er einen Unfall hatte, konnte er nicht mehr arbeiten. بعد از این که او (مرد) تصادف کرد دیگر نتوانست کار کند.

Nachdem er die Arbeit verloren hatte, ist er nach Amerika gegangen. بعد از این که او (مرد) کارش را از دست داد به آمریکا رفت.

Nachdem er nach Amerika gegangen war, ist er reich geworden. بعد از این که او (مرد) به آمریکا رفت ثروتمند شد.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

Seit wann arbeitet sie nicht mehr? (زن) از چه موقع دیگر کار نمی کند؟

Seit ihrer Heirat? از زمان ازدواجش؟

Ja, sie arbeitet nicht mehr, seitdem sie geheiratet hat. بله، او از وقتی که ازدواج کرده است، دیگر کار نمی کند.

Seitdem sie geheiratet hat, arbeitet sie nicht mehr. (زن) از زمانی که ازدواج کرده است دیگر کار نمی کند.

Seitdem sie sich kennen, sind sie glücklich. از وقتی که آنها با هم آشنا شدند خوشبخت هستند.

Seitdem sie Kinder haben, gehen sie selten aus. از وقتی بچه دار شده اند به ندرت بیرون می آیند.

Wann telefoniert sie? (زن) چه موقع تلفن می کند؟

Während der Fahrt? در حین رانندگی؟

Ja, während sie Auto fährt. هنگامی که رانندگی می کند.

Sie telefoniert, während sie Auto fährt. (زن) هنگام رانندگی تلفن می زند.

Sie sieht fern, während sie bügelt. او همزمان با اتو کردن تلویزیون تماشا می کند.

Sie hört Musik, während sie ihre Aufgaben macht. (زن) ضمن انجام تکالیف مدرسه موسیقی گوش میدهد.

Ich sehe nichts, wenn ich keine Brille habe. من موقعی که عینک نمی زنم هیچ چیز نمی بینم.

Ich verstehe nichts, wenn die Musik so laut ist. من موقعی که موسیقی بلند است هیچ چیز نمی فهمم.

Ich rieche nichts, wenn ich Schnupfen habe. من موقعی که سرما خورده ام هیچ بویی را احساس نمی کنم.

Wir nehmen ein Taxi, wenn es regnet. موقعی که باران می بارد ما تاکسی سوار می شویم.

Wir reisen um die Welt, wenn wir im Lotto gewinnen. اگر در بخت آزمایی ببریم، به دور دنیا سفر می کنیم.

Wir fangen mit dem Essen an, wenn er nicht bald kommt. اگر او به زودی نیاید ما غذا را شروع می کنیم.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Ich stehe auf, sobald der Wecker klingelt. من به محض این که ساعت زنگ بزند، بیدار می شوم.

Ich werde müde, sobald ich lernen soll. من به محض این که شروع به درس خواندن می کنم خسته می شوم.

Ich höre auf zu arbeiten, sobald ich 60 bin. به محض این که به سن 60 سالگی برسم دیگر کار نمی کنم.

Wann rufen Sie an? چه موقع تلفن می کنید؟

Sobald ich einen Moment Zeit habe. به محض این که چند لحظه فرصت پیدا کنم.

Er ruft an, sobald er etwas Zeit hat. او (مرد) به محض این که فرصت پیدا کند تلفن می کند.

Wie lange werden Sie arbeiten? چه مدت شما کار خواهید کرد؟

Ich werde arbeiten, solange ich kann. تا زمانی که بتوانم، کار خواهم کرد.

Ich werde arbeiten, solange ich gesund bin. من تا زمانی که سالم باشم کار خواهم کرد.

Er liegt im Bett, anstatt dass er arbeitet. او (مرد) به جای این که کار کند در رختخواب لم داده است.

Sie liest die Zeitung, anstatt dass sie kocht. او (زن) به جای این که غذا بپزد روزنامه می خواند.

Er sitzt in der Kneipe, anstatt dass er nach Hause geht. او (مرد) به جای این که به خانه برود در بار می نشیند.

Soweit ich weiß, wohnt er hier. تا آنجا که من اطلاع دارم او (مرد) اینجا زندگی می کند.

Soweit ich weiß, ist seine Frau krank. تا آنجا که من اطلاع دارم همسرش مریض است.

Soweit ich weiß, ist er arbeitslos. تا آنجا که من اطلاع دارم او (مرد) بیکار است.

Ich hatte verschlafen, sonst wäre ich pünktlich gewesen. من خواب ماندم، وگرنه به موقع می رسیدم.

Ich hatte den Bus verpasst, sonst wäre ich pünktlich gewesen. من به اتوبوس نرسیدم وگرنه به موقع می رسیدم.

Ich hatte den Weg nicht gefunden, sonst wäre ich pünktlich gewesen. من راه را پیدا نکردم وگرنه به موقع می رسیدم.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Er ist eingeschlafen, obwohl der Fernseher an war. با وجود این که تلویزیون روشن بود، او (مرد) خوابش برد.

Er ist noch geblieben, obwohl es schon spät war. با وجود این که دیر وقت بود، او (مرد) ماند.

Er ist nicht gekommen, obwohl wir uns verabredet hatten. با وجود این که قرار داشتیم، او (مرد) نیامد.

Der Fernseher war an. Trotzdem ist er eingeschlafen. با وجود این او (مرد) خوابش برد.

Es war schon spät. Trotzdem ist er noch geblieben. با وجود این او (مرد) ماند.

Wir hatten uns verabredet. Trotzdem ist er nicht gekommen. ما یا هم قرار ملاقات داشتیم. با وجود این او (مرد) نیامد.

Obwohl er keinen Führerschein hat, fährt er Auto. با وجود این که گواهی نامه ی رانندگی ندارد، رانندگی می کند.

Obwohl die Straße glatt ist, fährt er schnell. با وجود این که خیابان لغزنده بود، با سرعت رانندگی می کند.

Obwohl er betrunken ist, fährt er mit dem Rad. با وجود این که مست است، با دوچرخه می رود.

Er hat keinen Führerschein. Trotzdem fährt er Auto. او (مرد) گواهی نامه ندارد. با وجود این او (مرد) رانندگی می کند.

Die Straße ist glatt. Trotzdem fährt er so schnell. خیابان لغزنده است. با وجود این او (مرد) تند می راند.

Er ist betrunken. Trotzdem fährt er mit dem Rad. او (مرد) مست است. با وجود این او (مرد) با دوچرخه می رود.

Sie findet keine Stelle, obwohl sie studiert hat. با این که او (زن) تحصیل کرده است، کار پیدا نمی کند.

Sie geht nicht zum Arzt, obwohl sie Schmerzen hat. با این که او (زن) درد دارد، به دکتر نمی رود.

Sie kauft ein Auto, obwohl sie kein Geld hat. با این که او (زن) پول ندارد، ماشین می خرد.

Sie hat studiert. Trotzdem findet sie keine Stelle. با وجود این کار پیدا نمی کند.

Sie hat Schmerzen. Trotzdem geht sie nicht zum Arzt. او (زن) درد دارد. با وجود این به دکتر مراجعه نمی کند.

Sie hat kein Geld. Trotzdem kauft sie ein Auto. او (زن) پول ندارد. با وجود این یک خودرو می خرد.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Die Reise war zwar schön, aber zu anstrengend. اگرچه مسافرت خوب بود، اما خیلی خسته کننده بود.

Der Zug war zwar pünktlich, aber zu voll. اگرچه قطار سر وقت آمد، اما خیلی پر بود.

Das Hotel war zwar gemütlich, aber zu teuer. اگرچه هتل خوب و راحت بود، اما خیلی گران بود.

Er nimmt entweder den Bus oder den Zug. او (مرد) یا با اتوبوس می رود یا با قطار.

Er kommt entweder heute Abend oder morgen früh. او (مرد) یا امشب می آید یا فردا صبح زود.

Er wohnt entweder bei uns oder im Hotel. او (مرد) یا بیست ما می ماند یا در هتل.

Sie spricht sowohl Spanisch als auch Englisch. او هم اسپانیایی و هم انگلیسی صحبت می کند.

Sie hat sowohl in Madrid als auch in London gelebt. او هم در مادرید و هم در لندن زندگی کرده است.

Sie kennt sowohl Spanien als auch England. او هم اسپانیا را می شناسد و هم انگلیس را.

Er ist nicht nur dumm, sondern auch faul. او نه تنها احمق است، بلکه تنبل هم هست.

Sie ist nicht nur hübsch, sondern auch intelligent. او (زن) نه تنها زیباست بلکه باهوش هم هست.

Sie spricht nicht nur Deutsch, sondern auch Französisch. او (زن) نه تنها آلمانی، بلکه فرانسوی هم صحبت می کند.

Ich kann weder Klavier noch Gitarre spielen. من نه می توانم پیانو بنوازم و نه گیتار.

Ich kann weder Walzer noch Samba tanzen. من نه می توانم والس برقصم و نه سامبا.

Ich mag weder Oper noch Ballett. من نه از آواز اپرا خوشم می آید و نه از رقص باله.

Je schneller du arbeitest, desto früher bist du fertig. هر چه سریعتر کار کنی، زودتر کارت تمام می شود.

Je früher du kommst, desto früher kannst du gehen. هرچه زودتر بیایی، زودتر هم می توانی بروی.

Je älter man wird, desto bequemer wird man. هر چه سن بالا می رود، احساس راحت طلبی بیشتر می شود.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

die Katze meiner Freundin گریه دوست دخترم

der Hund meines Freundes سگ دوست پسرم

die Spielsachen meiner Kinder اسباب بازی بچه هایم

Das ist der Mantel meines Kollegen. این پالتوی همکار من است.

Das ist das Auto meiner Kollegin. این خودروی همکار (زن) من است.

Das ist die Arbeit meiner Kollegen. این کار همکاران من است.

Der Knopf von dem Hemd ist ab. دکمه ی پیراهن افتاده است (گم شده است).

Der Schlüssel von der Garage ist weg. کلید گاراژ گم شده است.

Der Computer vom Chef ist kaputt. کامپیوتر رئیس خراب است.

Wer sind die Eltern des Mädchens? والدین دختر چه کسانی هستند؟

Wie komme ich zum Haus ihrer Eltern? چگونه به خانه ی والدین او برویم؟

Das Haus steht am Ende der Straße. خانه در انتهای خیابان قرار دارد.

Wie heißt die Hauptstadt von der Schweiz? پایتخت سوئیس چه نام دارد؟

Wie heißt der Titel von dem Buch? عنوان کتاب چیست؟

Wie heißen die Kinder von den Nachbarn? نام بچه های همسایه چیست؟

Wann sind die Schulferien von den Kindern? تعطیلات مدرسه ی بچه ها چه موقع است؟

Wann sind die Sprechzeiten von dem Arzt? اوقات ویزیت دکتر چه زمانهایی است؟

Wann sind die Öffnungszeiten von dem Museum? ساعات کاری موزه چه زمان هایی است؟



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

schon einmal – noch nie تاکنون – هرگز

Sind Sie schon einmal in Berlin gewesen? آیا تا به حال در برلین بوده اید؟

Nein, noch nie. نه، هرگز.

jemand – niemand کسی – هیچکس

Kennen Sie hier jemand(en)? شما اینجا کسی را می شناسید؟

Nein, ich kenne hier niemand(en). نه، من اینجا کسی را نمی شناسم.

noch – nicht mehr هنوز هم – دیگر نه

Bleiben Sie noch lange hier? شما مدت بیشتری اینجا می مانید؟

Nein, ich bleibe nicht mehr lange hier. نه، من دیگر زیاد اینجا نمی مانم.

noch etwas – nichts mehr مقداری دیگر – بیشتر از این نه

Möchten Sie noch etwas trinken? می خواهید مقداری دیگر بنوشید؟

Nein, ich möchte nichts mehr. نه، بیش از این نمی خواهم.

schon etwas – noch nichts تا حالا مقداری – هنوز هیچ

Haben Sie schon etwas gegessen? شما چیزی خورده اید؟

Nein, ich habe noch nichts gegessen. نه، هنوز هیچ چیز نخورده ام.

noch jemand – niemand mehr کس دیگر – هیچ کس دیگر

Möchte noch jemand einen Kaffee? کس دیگری قهوه می خواهد؟

Nein, niemand mehr. نه، دیگر کسی نمی خواهد.